

بسم الله الرحمن الرحیم

فرار دختران

نویسنده:

علی غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرار دختران

مشخصات کتاب

سرشناسه :مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ،۱۳۸۷
عنوان و نام پدیدآور:فرار دختران/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان/علی غزالی اصفهانی
مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری :نرم افزار تلفن همراه و رایانه
وضعیت فهرست نویسی :فیپا

فرار دختران

مقدمه

فرار دختران از خانه در جامعه ایرانی به دلیل معیارها ، هنجارها و ارزشهای دینی ، خانوادگی و اجتماعی ، یک آسیب و مسئله اجتماعی می‌باشد ، بنابراین ضروری است علل و پیامدهای آن از ابعاد مختلف مورد تحلیل قرار گیرد .

۱– مسئله شناسی فرار از خانه

۱–۱) تعریف فرار

فرار از خانه و اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل و ترک اعضای خانواده ، بدون اجازه از والدین یا وصی قانونی خود ، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد ، غیرقابل تحمل و بعضاً تغییر ناپذیر است . این عمل معمولاً به عنوان یک مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرکهای آزار دهنده و مضر و دستیابی به خواسته های مورد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز انجام می‌شود .
امروزه در اکثر کشورهای جهان ، فرار از خانه به یک معضل جدی اجتماعی تبدیل شده است . بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی ، سالانه یک میلیون نوجوان ۱۹ –۱۳ ساله از خانه فرار می کنند که ۷۴ درصد آنها دختر هستند . [۱] در ایران نیز مسئله فرار دختران به عنوان یک معضل مطرح می‌باشد ، هر چند آمار و ارقام دقیقی در اختیار نداریم ، لیکن اخبار جرائد و مطبوعات از روند رو به رشد این آسیب اجتماعی ، [۲] کاهش میانگین سنّی دختران فراری[۳] و ظهور پیامدهای ناگوار آن حکایت می کند .

۱–۲) انواع فرار

این عمل بر حسب موضوعات مختلف به قرار ذیل قابل دسته بندی می‌باشد :
الف) – از نظر جنس و تأهل
اقدام به فرار ، هم از سوی پسران (و مردان متأهل) و هم از سوی دختران (و زنان متأهل) انجام می‌شود .

لازم به ذکر است دلائل چنین اقدامی توسط مردان متأهل و پسران با یکدیگر متفاوت است . زنان متأهل نیز اغلب به دلیل خشونت و مفاسد اخلاقی همسر یا اغفال و مفاسد اخلاقی خود از خانه متواری می‌شوند .

ب) – از نظر اطلاع خانواده

در اکثر موارد اقدام به فرار به طور ناگهانی ، بدون خبر و اطلاع اعضای خانواده صورت می گیرد ، اما در برخی شرایط ، فرد قصد خود را به صورت «تهدید به فرار» اطلاع می‌دهد . این عمل اغلب در بین پسران فراری معمول است

ج) – از نظر تعداد همراهان

در شرایطی ممکن است که اقدام به فرار به همراهی فردی از جنس مخالف با زمینه دوستی و قرار ملاقات انجام شود . اخیراً مواردی از فرارهای گروهی در بین دختران مشاهده شده است . اما اغلب ، دختران به تنهایی فرار می کنند .

د) – از نظر مدت زمان

در برخی شرایط فرد پس از فرار و مواجهه با مشکلاتی نظیر عدم امنیت و فراهم نبودن امکانات زندگی ، پشیمان می‌شود و در صورت خوش اقبالی ، با کمترین لطمات روحی و جسمی توسط نیروهای امنیتی ، شناسایی و در مدت زمان کوتاهی به خانه بازمی گردد . در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد دلائل فرد جهت فرار چندان منطقی نبوده یا فرد برنامه و هدف معینی برای فرار نداشته است . دسته ای از دختران فراری نیز به دلیل شرایط واقعاً نامساعد خانه ، حاضر به بازگشت نیستند و برای جلوگیری از اینکار از نام مستعار استفاده می کنند و یا اظهار می‌دارند که خانواده ای ندارند .

هـ) – از نظر مبدأ و مقصد

اغلب فرارها از شهرستانها به مرکز یا شهرهای بزرگ انجام می‌شود ، هر چند مبدأ و مقصد معدودی از فرارها نیز بالعکس می‌باشد و گاهی نیز از شهرهای کوچک و بزرگ به قصد عزیمت به کشورهای دیگر اتفاق می‌افتد .

و) – از نظر تکرار

برخی از دختران برای نخستین بار اقدام به فرار می کنند و دسته ای دیگر علیرغم تلاشهای مددکاران جهت بازگشت به محیط خانه و خانواده ، مجدداً از محیط خانه می گریزند .

۱–۳) انگیزه های فرار

آمار نشان می‌دهد انگیزهٔ افراد فراری بر حسب جنس ، سن ، تحصیلات و محیط زندگی متفاوت است اما انگیزه های ذیل بین همگان عمومیت دارد :

الف) – اثبات وجود و جلب توجه اطرافیان و اجبار آنها برای اجرای تمایلات و خواسته های خویش؛

ب) – رهایی از هنجارها ، فشارها ، تحمیل ها ، قید و بندها ، خشونتها و آزارهای خانواده و کسب آزادی عمل در رفتارهای فردی و اجتماعی؛

ج) – لجاجت با خانواده ، سلب آرامش و ایجاد بدنامی یا مشکل برای آنان به جهت عدم تعلق و دلبستگی به خانواده .

د) – تحت فشار قرار دادن دیگران برای تحقق خواسته های خود درخصوص زندگی آینده و موقعیت بهتر اقتصادی .

۲– تبیین عوامل مؤثر در فرار دختران

توضیح

آسیبهای اجتماعی نظیر فرار از خانه دارای زمینه ها و ابعاد مختلفی هستند و عوامل گوناگونی از جمله عوامل فردی ، خانوادگی و اجتماعی در شکل گیری آن مؤثر می‌باشد .

۲-۱) عوامل فردی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود .

الف) – شخصیتهای ضد اجتماعی

ویژگیهای این نوع شخصیت ، بهم ریختگی ارتباط میان انسان و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار است که مورد قبول جامعه نمی‌باشد ، ولی معمولاً نزد عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص ، ناپسند شمرده نمی‌شود . افراد روان‌رنجور نسبت به هنجارها و مقررات اجتماعی بی‌تفاوت بوده و کمتر آنها را رعایت می‌کنند . اعمال این افراد نظام اجتماعی را متزلزل می‌کند و رعایت ارزشهای اخلاقی را به پایین‌ترین سطح آن تنزل می‌دهد . از مشخصات بارز شخصیت های ضد اجتماعی خود محوری ، فریبندگی سطحی و ظاهری ، عدم احساس مسئولیت ، فقدان بینش نسبت به انگیزه های عمل می‌باشد . آنها به طور تکانشی عمل می‌کنند ، به پیامد عمل خود نمی‌اندیشند ، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات ، بسیار ضعیف بوده و در قضاوتهای خود یکسویه می‌باشند . این نوع شخصیتها عمدتاً از محیط خانه و مدرسه فرار می‌کنند . [۴]

ب) – شخصیتهای خود شیفته

این شخصیت ها تمایل شدیدی به خودمحوری دارند و پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها و احساسات دیگران بی توجه می‌باشند[۵] و با آنها همدردی و علاقه نشان نمی‌دهند . این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان ، قدرت ، زیبایی و روابط عشقی آرمانی مشغول هستند . این گروه ممکن است مشکلات خود را بی همتا بپندارند و احساس کنند که فقط افراد هم سطح خودشان آنها را درک می‌کنند . [۶] اغلب این افراد والدینی داشته اند که نسبت به آنها محبت با ثباتی نداشته یا سرد و طرد کننده بوده اند یا بیش از حد به آنها ارج نهاده اند . [۷]

نوجوانان خود شیفته ، به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه گرایش نشان می‌دهند .

ج) – شخصیت برونگرا

«آیزنک» معتقد است بین ویژگی شخصیتی افراد با رفتار نابهنجار آنها رابطه وجود دارد . فرد برونگرا به دنبال لذت جویی آنی است و دَم را غنیمت می‌شمارد ، دوست دارد در انواع میهمانی ها و جشنها شرکت کند ، تشنهٔ هیجان و ماجرا جویی است ، کمتر قابل اعتماد می‌باشد ، نمی‌تواند احساساتش را کنترل نماید و بدون تأمل عمل می‌کند . [۸]

د) – شخصیت هیستریونیک (نمایشی)

نزد این افراد جلب توجه دیگران اولویت خاصی دارد . دوست دارند پر جوش و خروش صحبت کنند . مشخصه بارز آنها بیان اغراق آمیز ، هیجانی ، روابط طوفانی بین فردی ، نگرش خود مدارانه و تأثیر پذیری از دیگران است . توجه کافی به درک موقعیت ندارند و تمایل دارند با تعمیم عاطفی پاسخ دهند . [۹] این افراد برای آنکه «خود» را ثابت کنند ، هر تجربه ای را حتی اگر برای آنان گران تمام شود و مشکلاتی را ایجاد نماید ، انجام می‌دهند .

هیجان طلبی ، ماجراجویی ، تنوع طلبی ، کنجکاوی ، استقلال طلبی افراطی ، لذت گرایی کوتاه مدت[۱۰] و ارضای تمایلات

آنی ، خودباختگی احساسی و غلبهٔ کنشهای احساسی بر کنشهای عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیتهای خطرزا نظیر فرار از خانه رهنمون می‌شود .

از دیگر مشکلات روحی – روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می‌شود ، می‌توان به ضعف عزت نفس ، احساس کهتری ، فقدان اعتماد به نفس ، خود انگارهٔ ضعیف ، احساس عدم جذابیت ، افسردگی شدید ، شیدایی ، اختلال خلقی دو قطبی و . . . اشاره نمود . چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده ، نظیر فرار از خانه می‌باشند .

۲–۲) عوامل خانوادگی

۲–۲–۱) نوع خانواده

به اعتقاد صاحبنظران ، خانواده در شکل دهی به زندگی و رفتار فرد تا حد زیادی مؤثر است . اگر خانواده با مشکلات و آسیبهای عدیده‌ای مواجه باشد ، روند جامعه پذیری اعضای خانواده مختل می‌شود . «کلمن» در سال ۱۹۸۰ از چهار نوع آسیب برای خانواده نام می‌برد که بر کنشهای نابهنجار فرزندان مؤثر می‌باشد :

الف) – خانواده بی کفایت[۱۱]

این خانواده فاقد منابع جسمانی یا روانشناختی مؤثر برای سازگاری با عوامل تنیدگی زندگی بهنجار است و نمی‌تواند با مسائل زندگی خانوادگی مقابله کند .

ب) – خانواده ضد اجتماعی[۱۲]

این خانواده واجد ارزشهایی به شدت مغایر با ارزشهای اجتماعی می‌باشد و رفتارهای نامطلوب را تشویق می‌کند . به اعتقاد «مسنر» و «کروهن»[۱۳] شرایط برخی خانواده ها نابهنجاری را تأیید می‌نماید .

ج) – خانواده آشفته[۱۴]

این خانواده با کنشها و اختلالات رفتاری نظیر غیر منطقی بودن ، دعوا ، تعارض و . . . مشخص می‌شود و اعضای آن دارای شخصیت های مخرب و غیر عادی هستند که فضای خانه را به اضطراب و تنش می‌کشانند . هر چند والدین در چنین خانواده هایی حضور فیزیکی دارند ، اما فضای حاکم بر خانواده توأم با طرد فرزندان ، عدم محبت و بی توجهی به مسائل آنها می‌باشد . فرد به دلیل کمبود محبت و تربیت ناصحیح در مواجه با یک محبت کاذب اقدام به فرار می‌کند . والدین چنین خانواده هایی در کانون ارتباطات خانوادگی حضور فعال ندارند و فرزندان به حال خود رها شده اند و روابط آنها فاقد هر نوع نظارت صحیح می‌باشد و کارکرد تربیتی و کنترل غیر رسمی خانواده تضعیف شده ، آرزوهای بی حد آنومیک شدت یافته و زمینه هنجارشکنی فرزندان فراهم است .

این نوع خانواده ، فاقد سرمایه اجتماعی است و نمی‌تواند به عنوان یک منبع کنترل ، مانع رفتارهای تند جوانان از جمله فرار آنان از خانه شود .

د) – خانواده از هم گسیخته[۱۵]

این خانواده به دلیل از دست دادن پدر و مادر خانواده بر اثر مرگ ، طلاق و جدایی در اکثر موارد برای تربیت فرزندان و سازگاری اجتماعی آنها دچار مشکل می‌باشد . [۱۶]

در چنین خانواده ای فرد با احساس ناکامی و محرومیت ، کمبود محبت و خلاء واکنش عاطفی مواجه است و در صورتی که

فردی جانشین والـدین خانواده شود ، احتمال اختلال در هویت خانوادگی و عـدم پذیرش او از سوی فرزندان و ناسازگاری با وی و فرزندان ناتنی وجود دارد که همین امر می‌تواند زمینه اختلالات رفتاری مانند فرار از خانه را فراهم کند .

۲-۲-۲) روابط در خانواده

الف) – خشونت در خانواده

فرار از خـانه یکی از بازتابهـای خشونت خـانگی است که به دلیـل تـأثیرات اجتمـاعی آن قابـل تأمـل است . اعمـال خشونتهای روحی ، جسـمی و جنسـی از سوی اعضای خانواده (تجاوزات جنسـی توسط پـدر یا جانشـین پدر یا برادر تنی یا ناتنی) عامل بسیار مهمی در فرار برخی از دختـران است . بسـیاری از دختـرانی کـه قربـانی ایـن نـوع خشونتهـا می‌باشـند بـه دلیـل ترس از آزاردهنـدگان و آبروی خـویش جرأت اظهـار مشـکلاتشان را ندارنـد ، لـذا از خـانه فرار می‌کننـد و در شـرایطی که از سـوی نیروهای امنیتی مجبور به بازگشت شوند ، تمایلی به اینکار ندارند ، زیرا از محیط ناامن خانه می‌هراسند .

ب) – تبعیض در خانه

بسیاری از والـدین آگاهـانه یـا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزنـدان ، موجب اختلاف بین آنها و دلسـردی از زنـدگی می‌شونـد . تبعیض در مواجه با خطاها و اشـتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسـر بر دختر یا بالعکس موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود . تبعیض در خـانه بـا روحیه حسـاس و عزت نفس دختـران منافـات دارد و لطمـات جبران ناپـذیری را بر روح و روان آنـان وارد می‌کند و با ایجاد بحرانهای روحـی و سـرخـوردگـی ، آنان را به سوی عکس العملهـای منفی نظیر فرار از خانه سوق می‌دهد .

ج) – محدودیت مطلق

در این نوع شـیوهٔ تربیتی ، فرزنـدان از آزادی و اختیـار لازم ، متناسب با سن و شـرایط خویش محرومنـد و بایـد نظر والـدین را بـدون آگـاهی از علت آن انجام دهنـد و حق اظهار نظر ، دخالت یا تصـمیم گیری را ندارنـد . به طور نمونه نمی‌تواننـد درباره زندگی آینده خویش تصمیم بگیرند و باید تن به ازدواجهای اجباری دهند .

در این خـانواده هـا به خواسـته هـای مـادی ومعنوی فرزنـدان توجهی نمی‌شود ، لـذا توانـایی و مقاومت آنها درهم می‌شـکند . فرزنــدان نســبت بـه خـانواده خـود احسـاس نارضـایتی ، تحقیر ، تنفر و ســرخوردگی می‌کننـد . زیرا همنـوایی بـا هنجارهـا و درخواسـتهای خانواده ، برای آنها سـنگین بوده و موجب ایجاد تنفر از خانواده می‌شود ، لذا از هر فرصتی جهت عدم پیروی از هنجارهای خانواده بهره می‌برند و درصدد هستند با فرار از خانه ، از این محدودیت‌ها رهایی یابند .

د) – آزادی مطلق (فرزند سالاری)

همانطور که عـدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می‌تواند عامل فرار آنان از کانون خانواده باشد؛ توجه بیش از حدّ متعارف و در اختیار بودن امکانات فوق حد سنی فرزند (فرزند سالاری) هم می‌تواند زمینه مسائلی چون فرار از خانه را ایجاد نماید .

در شـیوه فرزنـد سالاـری ، اغلب تمایلات و خواسـته های فرزنـدان محقق می‌شود ، لـذا به محض ایجاد مشـکلات و بحرانها و فشارهـای زنـدگی که در آن امکـان تحقق برخی از آرزوهـا سـلب می‌شود و یـا در شـرایطی که خواسـته های فرزنـد به افراط می‌گرایـد و والـدین بـا آن مخالفت می‌نماینـد ، فرزنـد به دلیل تربیت عاطفی (نه تربیت عقلانی) ، روحیه عـدم درک منطقی شرایط ، نازپروری و کاهش دامنه اسـتقامت و آسـتانه تحمل در برابر مخالفت والدین و مسائل خانه ، عصـیان و طغیان نموده و

همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد که نهایتاً می تواند زمینه فرار از خانه را فراهم نماید . به عبارت دیگر فرد علیرغم وجود خانواده ای که در اغلب موارد خواسته های او را جامهٔ عمل پوشانده است ، کوچکترین انتقاد یا منعی را تحمل نمی کند و اقدام به فرار می‌نماید . در این شرایط مسائل بسیار کوچک به دلیل پایین بودن آستانه مقاومت ، در نظر فرد بزرگ و غیر قابل تحمل جلوه می کند . چنین فردی پس از فرار نیز اقدام خود را توجیه می کند و با احساس عمیق بیدادگری به متهم کردن اطرافیان می‌پردازد و معتقد است فرار او در جهت احقاق حق از دست رفته خود بوده است . این وضعیت در بین طبقات مرفه و غنی جامعه بیشتر مشاهده می‌شود .

۲–۳) عوامل اجتماعی

۲–۳–۱) شبکه روابط اجتماعی

طبق نظریه انتقال فرهنگی ساترلند[۱۷]انحرافات و نابهنجاری های رفتاری عموماً از طریق گروههایی نظیر دوستان یا خانواده آموخته می‌شود .

«اسگود» معتقد است هر چقدر میزان گذران جوان با گروههای همسن خود[۱۸] که امور خلاف در آنها هنجار است ، بیشتر باشد ، فرد همرنگ و همانند آنها می‌شود و برای کسب احترام در گروه ، به رفتارهای خود نمایانه نظیر فرار از خانه تشویق می‌شود . [۱۹]

فرد عضویت یافته در گروه های ناباب ، ارزشهای نادرست گروه از جمله نحوه مقابله و برخورد با امر و نهی والدین ، نحوه مخالفت و به کرسی نشاندن خواستها و تمایلات نفسانی در خانه ، . . . را درونی می کند و با دسترسی به فرصتهای نامشروع ، آنها را به مرحله عمل می‌رساند . در این گروهها رفتار کجرو و نابهنجار بسیار عادی و روال شده است و به عنوان ارزشهای مدرن اشاعه می‌شود و نگرشها و نصایح والدین به عنوان ارزشهای منسوخ محسوب می‌شود . بر اساس تحقیقات حدود ۷۹ درصد جوانان به همانند سازی با دوستان خود می‌پردازند .

۲–۳–۲) وسایل ارتباط جمعی

رسانه های نوشتاری و دیداری دارای کارکردهای سه گانه از جمله اطلاع رسانی هستند . زمانی که رسانه ها موضوع فرار دختران را با ذکر تمام جزئیات منعکس می کنند ، (البته این کار اغلب با هدف جذب مخاطب و فروش بیشتر انجام می‌شود) در واقع افراد را نسبت به وضعیت افراد فراری که شرایط نامساعد و بغرنج خانه را تحمل نکرده اند ، مطلع می کنند و باعث می‌شوند آنها نیز همین عمل را در مواجه با مسائل خانواده تکرار کنند . ضمن آنکه قبح مسئله تا حد بسیار زیادی در اذهان شکسته شده و به عنوان یک عمل عادی جلوه می‌نماید .

از سوی دیگر برخی از فیلمها و سریالهای تلویزیونی مشوق فرار از خانه است ، ترویج روحیه استقلال طلبی غیر منطقی در سنین نوجوانی ، تنوع طلبی ، عدم رعایت احترام به نظرات والدین و پرخاشگری نسبت به بزرگترها ، ترویج فرزندسالاری ، مادی گرایی و . . . حتی نمایش فرار جمعی از جوانان ، بدون نمایش صحیح پشیمانی و ندامت آنها ، می تواند در شیوع این پدیده مؤثر باشد .

نقش رسانه های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی ، مقابله با هنجارهای اجتماعی ، عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است .

۲–۳–۳) شهرنشینی

بافت اجتماعی شهرهای بزرگ و پیچیدگی روزافزون زندگی شهری ، گمنامی و ناشناخته بودن در جمعیت میلیونی شهرهای بزرگ و کاهش نظارت رسمی و غیر رسمی ، دور بودن از چنگال قانون و عدم شناسایی دقیق متخلفان ، فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می کند .
جاذبه شهرهای بزرگ ، رفاه ، تجملات شهری و امکانات مادی ، انگیزهٔ در اختیار داشتن آنها و زندگی در این محیط را مضاعف می کند و سیل عظیم جمعیت با هدف یافتن شغل و دستیابی به امکانات فوق مهاجرت می‌نمایند و شهرهای بزرگ را با خرده فرهنگهای مختلف درهم می‌آمیزند و بدین ترتیب پایبندی به آداب و رسوم کاهش می‌یابد و آزادی عمل فرد نیز بیشتر می‌شود . گاهی همین سراب زندگی مرفه شهری و آزادی عمل ، دختران را به سوی شهرها متواری می‌نماید .

۲–۳–۴) تغییر ارزشها

انسانهای دنیای امروز در چهار راه سرگردانی و تضاد ارزشها گرفتار آمده اند و نمی دانند به کدامین سو حرکت کنند . از یکسو جامعه بستر نوینی از ارزشهای اجتماعی مدرن را مقابل دیدگان افراد قرار می‌دهد و از سوی دیگر فرد را با بن بستهای بسیاری در دستیابی به اهداف جدید مواجه می کند . جوان امروز در این شرایط با مشکل بحران هویت ، کاهش پایبندی به ارزشهای دینی و اجتماعی و شکاف نسلی بین خود و والدینش مواجه است . گاه آنچه که اجتماع به طور عملی به او می‌آموزد با ارزشهای خانوادگی سنخیتی ندارد و حتی در تناقض آشکار می‌باشد و همین امر شخصیت او را دچار دوگانگی می‌نماید . دختران امروز دچار خود درگیری می‌شوند و برای فرار از این حالت به شیوه های مختلفی نظیر فرار از خانه متوسل می گردند . [۲۰]

۲–۳–۵) مشکلات اقتصادی

برخی از صاحبنظران مشکلات اقتصادی را علت عمده آسیبهای اجتماعی می‌دانند ، البته این به مفهوم نگرش تک عاملی در تبیین انحرافات نمی‌باشد . به اعتقاد آنان عوامل اقتصادی در چگونگی زندگی فردی و اجتماعی انسانها تأثیر گذار است . فقر و توزیع ناعادلانه ثروت ، به همراه فقر فرهنگی زمینه ساز انواع رفتارهای نابهنجار می‌باشد . «ژان دولارد» معتقد است انسانها به طور معمول به علت کشمکش درونی ناشی از محرومیت ، عکس العمل هایی نشان می‌دهند ، اما نکته قابل تأمل آن است که محرومیت های اقتصادی ، عکس العملهای تند و ضد اجتماعی را تحریک می کند زیرا فقر ، ترس از مجازات را به حداقل می‌رساند و فرد محروم مسئولیت عمل ضد اجتماعی خود را متوجه بی سامانی اجتماعی می‌داند . [۲۱]
در شرایطی که یک قشر از جامعه به آسانی ثروتهای کلان و بادآورده در دست دارند و شخصیت انسانها با ثروت و دارایی آنها سنجیده می‌شود ، طبقات زیرین هرم طبقاتی همواره خود را با طبقات بالا مقایسه می کنند و از این توزیع ناعادلانه ، احساس محرومیت می‌نمایند ، همین احساس محرومیت نسبی[۲۲]موجب می گردد که فرد سعی کند به هر طریق ممکن به

اهداف و آرزوهای مادی خود دست یابد یا تصمیماتی بگیرد که مشکلات اقتصادیش برطرف شود . به طور نمونه در زمان بیکاری و بحران اقتصادی در خانواده ، پدر یا جانشین پدر تصمیمات نامناسبی نظیر اجبار دختر به ازدواج با مرد مسن ثروتمند یا اجبار دختر به اشتغال در مشاغل غیر مجاز همانند خرید و فروش مواد مخدر را اتخاذ می‌کند و دختر خانواده نیز متعاقباً درصدد خواهد بود که خود را از این وضعیت اسف بار نجات دهد و به استقلال اقتصادی دست یابد ، همین امر انگیزه فرار از خانه را در او تقویت می‌کند ، غافل از آنکه رو به سوی سیاهی در حرکت است .

امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی ، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است . همین مسئله منجر به کم توجهی آنها نسبت به نیازهای جوانان ، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است . به اعتقاد «اسگود» در شرایطی که عضو مقتدر خانواده به واسطه اشتغال در شغل دوم ، دیر وقت در منزل حضور داشته باشد و نظارت او بر اعضای خانواده کاهش یابد ، اعمال ضد اجتماعی نظیر فرار از خانه در جامعه رو به گسترش خواهد بود . [۲۳]

در این جهت انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند .

۲-۳-۶) ضعف نظارت اجتماعی

با استناد به انگیزه های فرار دختران از خانه درمی‌یابیم که اکثر آنان برای کسب استقلال و آزادی روابط در خارج از خانه (جامعه) اقدام به فرار کرده اند . این بدان معناست که جامعه میزان نظارتهای اجتماعی دولتی و مردمی (امر به معروف و نهی از منکر ، گزارشات مردمی ، نیروهای بسیج...) را کاهش داده و آزادی بی‌قید روابط زنان و مردان را افزایش داده است ، به گونه‌ای که آنها بدون واهمه و کنترل به امور خلاف می پردازند ، در حالی که این حد افراطی از آزادی ، مقبول بسیاری از خانواده ها نیست . آنها به دلیل همین فضای نامناسب جامعه مجبور می شوند رفتار و ارتباطات اجتماعی دختران خود را محدود کنند و این محدودیت و کنترل ، دختران را با عقده های روحی ـ روانی مواجه می نماید و آنان احساس خواهند کرد که خانواده ، آنها را درک نمی‌کند ، در صورتی که برعکس ، خانواده به دلیل آینده نگری و مصلحت اندیشی فرزند و شناخت نسبت به اوضاع اجتماعی ، می‌کوشد دختر را از حیطه خطر دور سازد ، اما برخی دختران به دلیل حساسیت های روحی و کوته بینی ، دلسوزی والدین را به معنای سلب آزادی تعبیر می کنند و در نتیجه اقدام به فرار از خانه می نمایند .

۳- پیامدهای فرار دختران

توضیح

فرار دختران در واقع تعرض به قاعدهٔ کهن و مرسوم زمانهای دیروز و امروز است که خانه را محل امن و آرامش افراد می‌داند ، نه محلی که باید از آن گریخت . این تعرض و جدال ، جامعه را تحریک کرده و آشفتگی های خاصی را دامن می‌زند . هنگامی که دختری به هر دلیل منطقی یا غیرمنطقی از خانه فرار می‌کند ، خود و پیرامونش ، یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیبها و خطرات بسیار زیادی قرار می‌دهد . این پیامدها در بعد فردی ، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است :

۳-۱) پیامدهای فردی

فرار ، آغاز بی خانمانی و بی پناهی است و همین امر ، زمینهٔ ارتکاب بسیاری از جرائم را فراهم می‌کند . دختران فراری برای امرار معاش به سرقت ، تکدی گری ، توزیع مواد مخدر ، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز ، روسپیگری ، عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشاء اقدام می‌کنند . برخی از این دختران پس از فرار در ساختمانهای متروکه ، پارک ، خانه های فساد . . . شب را به صبح می‌رساند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند ، فقط برای آنکه بتوانند زنده بمانند . آنها با اسامی مستعار و تیپ پسرانه و کارهای مردانه در جمع دوستان (دختر و یا پسر) روزگار فلاکت‌باری را سپری می‌کنند . شکارچیان با اغفال این دختران که اغلب شهرستانی ، ساده و بی آلایش می باشند و از اوضاع و احوال شهرهای بزرگ خبر ندارند ، تمام اموالشان را به سرقت می برند و پس از تجاوز به عنف ، یا آنها را رها می کنند و یا پس از شکنجه و آزار به دلیل ناشناخته بودن و غربت ، می کشند . برخی از باندهای فحشاء نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر ، تجارت سکس و فروش اجزای بدن آنها می کنند . دختران فراری تمام پلهای پشت سر خود را خراب و ویران می‌کنند . ارتکاب به انواع جرائم و فساد اخلاقی موجب می شود که دچار انواع بیماریها و اختلالات روحی و روانی شوند و برخی از آنها به دلیل سرافکندگی ناشی از تجاوزات ، دست به خودکشی می زنند .

از دیگر پیامدهای ناگوار فرار دختران ، روسپیگری و ابتلا به انواع بیماریهای مقاربتی از جمله ابتلا به ویروس ایدز می باشد . هر چقدر مدت زمان فرار فرد طولانی تر باشد و با افراد بیشتری تماس داشته باشد ، خطر ابتلا به ویروس ایدز افزایش می یابد .

۳-۲) پیامدهای خانوادگی

فرار دختران می تواند بزرگترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد . این عمل اولاً- نشانه ای از ناکارآمدی خانواده در تربیت فرزند ، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلافات خانوادگی است و ثانیاً از آنجا که فرجام و سرانجام فرار دختران در اکثر موارد چنانچه ذکر گردید گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشاء و ارتکاب جرائم اخلاقی است ، لذا فرار به مفهوم لکهٔ ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می شود و بدین لحاظ است که فرار دختران ، کمتر توسط خانواده ها گزارش می شود و اغلب پس از بی نتیجه ماندن جستجوها و تلاشهای خانوادگی ، فرار دختر با عنوان فقدانی دختر (دزدیده شدن او) به مراجع قضایی گزارش می شود .

فرار دختران زندگی آیندهٔ آنان را به تباهی و سیاهی می‌کشاند . احتمال تشکیل خانواده برای دختر فراری به دلیل تهدید سلامت روحی ، جسمی و جنسی (به علت رفتار خلاف اخلاق ـ خواسته یا ناخواسته) و خدشه دار شدن اصالت و شرافت خانوادگی به حداقل ممکن کاهش یافته و در اغلب موارد به صفر می رسد .

از طرف دیگر دختران فراری با درگیر شدن در مسائل غیراخلاقی ، نمی توانند به خانواده بازگردند ، مگر آنکه خانواده به این نکته توجه نماید که عدم پذیرش فرد به معنای فرو غلتیدن هر چه بیشتر او در منجلاب فساد و تباهی است ، لذا با اکراه ، وی را در خانواده جای می‌دهد یا آنکه خانواده دختر فراری ، از نوع خانواده از هم گسیخته است و بود و نبود دختر فرق چندانی ندارد . در هر حال زندگی دخترفراری در صورت بازگشت به منزل نیز همراه با مشکلات مضاعف خواهد بود ، زیرا خانواده ، وی را به دلیل ارتکاب اعمال خلاف ، بیشتر از گذشته مستعد کجروی و رفتارهای انحرافی می‌داند ، لذا قیود خود را بیشتر خواهد نمود ، ضمن آنکه دختر نیز به دلیل تجربه آزادی های خارج از خانه که متناسب با سن و موقعیت او نبوده ، محیط

خانه را غیر قابل تحمل تر می‌داند .

۳-۳) پیامدهای اجتماعی

الف) - افزایش نرخ مفاسد اجتماعی

جامعه شناسان معتقدند پدیده های اجتماعی همچون حلقه های زنجیر به هم متصل و وابسته اند ، به طوری که افزایش نرخ آسیبهایی چون طلاق ، بیکاری ، اعتیاد ، . . . منجر به افزایش آسیبی نظیر فرار دختران می‌شود و نکته قابل توجه تر آنکه فرار دختران از خانه نیز به افزایش نرخ مفاسد اجتماعی (فعالیت باندهای تجارت دختران ، باندهای فحشاء و روسپیگری ، اعتیاد ، ...) منتهی می گردد .

ب) - تهدید بهداشت اخلاقی و روانی جامعه

آسیبهای اجتماعی از جمله فرار همچون امراض و ویروسهایی هستند که اخلاقیات و حیات اجتماعی را با خطر مواجه کرده و منجر به رواج بی حرمتی اخلاقی ، تخطی از هنجارهای اجتماعی و ایجاد فضای مسموم در جامعه می‌شوند که می‌توانند ضمن لکه دار نمودن عفت عمومی و شکستن حریمهای اخلاقی ، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه را تهدید نموده و آسیب جدی بر سلامت جامعه وارد نمایند .

ج) تحمیل هزینه های اجتماعی

فرار دختران هزینه های فراوانی را بر دوش جامعه و دولت می گذارد ، به طوری که اقداماتی نظیر دریافت گزارشات فقدانی دختر و شناسایی دختران فراری توسط نیروهای چندگانه امنیتی ، بازجویی و انجام مراحل قضایی ، ایجاد مراکز مختلف ـ مانند کانون اصلاح و تربیت و مراکزی که قبلاً در زمینه ساماندهی دختران فراری فعال بودند و نیز مسئولیت سازمان بهزیستی ـ که تماماً هزینه های هنگفتی را بر جامعه تحمیل می‌نماید .

۴- نقد برخی عملکردها

در چند سالهٔ اخیر مراکزی دولتی تحت عنوان خانه سلامت ، خانه ریحانه و خانه سبز و ... جهت کاهش آسیبهای ناشی از فرار دختران و بازتوانی آنها و ارجاع افراد به خانواده تأسیس گردید و پس از چندی متوقف شد . [۲۴]در این بخش به چند نمونه از اشکالات این مراکز اشاره می‌شود :

- مؤسسین چنین مراکزی هرگز به ریشه ها و علل فرار دختران توجهی نداشتند ، بلکه در یک حالت انفعالی با پذیرش مسئله فرار دختران مأمنی موقت را طراحی کرده بودند که متأسفانه به دلیل عدم سرعت در شناسایی دختران ، عمدتاً دختران فراری پس از آسیبهای فراوان به مراکز وارد می‌شدند .

- این مراکز ، محیطی جهت آشنایی دختران فراری با یکدیگر و کسب اطلاعات و تجربیات برای افراد تازه کار از دخترانی بود که برای چندمین بار از خانه متواری می‌شدند .

- هیچ دختر فراری ، شخصاً به این مراکز مراجعه نمی‌نمود و اغلب پس از مواجهه با مشکلات متعدد و دستگیری ، به این مراکز فرستاده می‌شد . لذا اگر فرد شخصاً احساس ناامنی ، ناتوانی و نیاز نمی کرد و محیط خارج را می‌شناخت ، به این مراکز مراجعه نمی‌نمود .

– این مراکز درصدد بودند تا برای دختری که از نظر روحی به تعادل رسیده و از نظر اخلاقی می‌تواند به جامعه بازگردد ، کمک هایی را برای داشتن خانه مستقل ارائه دهند که خود عامل تشویقی برای تکرار و رغبت به کار بود ! ! [۲۵]
– در برنامه های آتی این مراکز آموزشهایی برای دختران دانش آموز پیش بینی شده بود تا بیان کنند که دختران پس از فرار چه کنند و به کجا مراجعه نمایند ! ! [۲۶]
– دختران فراری در این مراکز ، اطلاعاتی در مورد شرایط خانوادگی ، کارهایی که در مدت فرار انجام داده بودند ، علت حضور در مرکز ، برنامه های آتی ، هنجارها و خرده فرهنگهای خیابان ، ... از یکدیگر جذب می‌کردند و کار خود را توجیه می‌نمودند ، زیرا مشاهده می‌کردند افراد زیادی مانند آنها فرار کرده اند ، لذا جسورتر می‌شدند .
به راستی چرا چنین مؤسساتی با هزینه های هنگفت و بدون کارشناسی و سنجش اشکالات احتمالی کار ، تأسیس می‌شوند و بعد از مدت زمانی منحل می‌گردند ؟ ! !

۵–پیشنهادات

همانطور که ذکر گردید دختران فراری از بین اقشار مختلف می‌باشند ، با انگیزه ها و علل گوناگونی اقدام به فرار می‌کنند و پیامدهای فرار آنان خانواده و جامعه را تهدید می‌کند .
در این راستا پیشنهادات ذیل به منظور مقابلهٔ قطعی تر نسبت به معضل فرار دختران از خانه ارائه می‌گردد :
الف– نهاد خانواده
– توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف تربیتی ، اقتصادی ، فرهنگی آنها از طریق دولت .
– تقویت و سازماندهی نهادهای مردمی مؤثر در امداد خانواده از جهات مختلف ، نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره) ، بنیادهای خیریه ، صندوقهای قرض الحسنه و ... .
– احیای سنتهای دینی و حاکمیت ارزشهای اجتماعی اسلام نظیر وجوب احترام به والدین ، رسیدگی به خویشان ، نظارتهای فامیلی چون ولایت پدر ، جدپدری ، برادر بزرگتر .
– نظر به اینکه با استناد به اطلاعات و تحقیقات ، بیشتر دختران فراری از بین خانواده های نابسامان بوده و اغلب فرزندان طلاق هستند ، [۲۷]به کارگیری تمام تمهیدات جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره ، اجبار به شرکت در کلاسهای آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی ، اجبار در مراجعه به مراکز مشاوره از طریق اهرمهای دولتی . . . ضروری است . نهایتاً چنانچه خانواده ای به دلیل اعتیاد ، مرگ والدین ، بیکاری و بیماری همسر ، . . . از هم گسسته شد ، می‌توان خانواده را موظف نمود که وضعیت حضانت و تربیت فرزندان را به سازمانی که از سوی دولت مشخص می‌شود ، گزارش نماید و این سازمان در رفع مشکلات فرزندان چنین خانواده هایی تلاش می‌نماید و نسبت به رفع خشونت ها و مشکلات این خانواده ها اقدام نماید .
ب– آموزش و پرورش
از آنجا که بسیاری از دختران فراری (۷۰درصد) در سنین ۱۶-۱۴ ساله و در دوره های حساس نوجوانی و راهنمایی قرار دارند و با مشکلات متعدد خاص این دوره مواجه می‌باشند؛ لذا بخشی از پیشنهادات جهت پیشگیری از فرار دختران معطوف به وزارت آموزش و پرورش می‌باشد؛
– تهیه و نمایش فیلمهای آموزشی درباره اثرات انواع روشهای نادرست تربیتی (از جمله محدودیت زیاد ، آزادی زیاد ، فاصله

عاطفی ، فاصله اطلاعاتی ، . . .) فقط برای اطلاع والدین؛
– تقویت ارتباط میان والدین دانش‌آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛
– تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس یا تمام مناطق آموزش و پرورش استانها و شهرستانها؛
– اجبار در انجام تست روانکاوی و سلامت سنجی روحی و روانی از تمام دانش‌آموزان و تشخیص و شناسایی کودکان مستعد فرار از لحاظ ویژگی های روحی و خانوادگی و الزام مراقبت های روانکاوی از آنها؛
– بها دادن به مسئله ترک تحصیل دانش‌آموزان[۲۸] یا فرار آنها از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های این دختران؛
– به کارگیری مکانیزم های تشویقی یا اجباری جهت مراجعه دانش‌آموزان و والدین به مراکز مشاوره (فرهنگسازی در زمینه استفاده از خدمات مشاوره) ؛
– آموزش به خانواده جهت اطلاع زود هنگام فرار دختران به پلیس و نوع همکاری آنان ، جهت شناسایی هر چه سریعتر و مقابله با خطرات ناشی از فرار؛
ج– نهادهای اجتماعی و بازدارنده
برخی دیگر از پیشنهادات مربوط به سایر عوامل اجتماعی است که در کاهش فرار دختران دخیل می‌باشد :
– نظارت ، ارزشیابی و باز تعریف وظایف دستگاههای ذیربط در امور مربوط به اقشار آسیب دیده و آسیب پذیر جهت هماهنگی و وحدت رویه و بهینه سازی و حتی ادغام آنها؛
– تأسیس یک مرکز توانمند جهت جمع آوری آمار و اطلاعات منطقه ای ، کشوری ، بین المللی دختران فراری و شبکه های مربوطه؛
– تربیت نیروهای پلیس انتظامی از بین بانوان متعهد و متدین جهت این مسئله خاص؛
– ضرورت آشنایی نیروهای نظامی به ویژه پلیس زن با مسائل روانشناسی دختران فراری و خرده فرهنگ آنها؛
– اعمال مجازات های بسیار سنگین ، علنی و جدی (در ملاعام) برای باندهای فساد ، اغفال ، تجارت جنسی؛
– قانونمند نمودن نحوه درج اخبار مربوط به بخش حوادث و ممانعت از سوء استفاده از بیان جزئیات فرار به دلیل بد آموزی و اشاعه منکرات و جلوگیری از قهرمان سازی مطبوعاتی از این عاملین ؛
– به کارگیری نیروهای مردمی و سازمانهای غیردولتی جهت امداد به دختران تحت خشونت خانواده و اطلاع رسانی به نیروهای امنیتی .
– تقویت نظارتهای اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارتهای مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر جهت پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادیهای اجتماعی .

پی نوشتها

۱ – فتحی ، منصوره ، نوجوانان فراری بد نیستند ، روزنامه جام جم ، ۱۰/۱۰/۸۰

[۲] – آمار دختران فراری نسبت به سال ۱۳۸۰ حدود ۱۰درصد افزایش یافته است . تعداد دختران فراری در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بوده که به ۲۲۰۰ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است . روزنامه نوروز ، ۶/۳/۸۱

[۳] – میانگین سنّی دختران فراری ، حدود ۲۰–۱۶ سال می‌باشد . روزنامه انتخاب ، ۱۳/۱۰/۸۰ .

[۴] – ابهری ، مجید ، صص ۶۱–۶۰ .

[۵] – جمعی از نویسندگان ، ص۲۵۳ .

[۶] – سارا سون ، ایروین جی ، ص۵۱۸ .

[۷] – همان ، ص۵۵۴ .

[۸] – ابهری ، مجید ، ص۲۸ .

[۹] – سارا سون ، ایروین جی ، ص۵۱۵ .

[۱۰] – Shorten hedonism .

[۱۱] – The inadequate Family .

[۱۲] – The antisocial Family .

[۱۳] – Messner and Krohn .

[۱۴] – The disturb Family .

[۱۵] – The disturbed Family .

[۱۶] – کلمن ، جیمز ، سی ، صص ۱۸۰-۱۷۹ .

[۱۷] – Edwin sutherland

[۱۸] – Time with peers .

[۱۹] – رفیع پور ، فرامرز ، ص۶۰ .

[۲۰] – قابضی ، علیرضا ، ص۱۱ .

[۲۱] – مساواتی ، مجید ، ص۶۴ .

[۲۲] – Relative Deprivation .

[۲۳] – رفیع پور ، فرامرز ، ص۶۱ .

[۲۴] – انتخاب ، ۲۱/۳/۸۱ .

[۲۵] – اطلاعات ، ۲۵/۱۰/۸۰ .

[۲۶] – همشهری ، ۱۸/۸/۷۹ .

[۲۷] – همشهری ، ۲۵/۱۰/۸۰ .

[۲۸] – مدیر دفتر آموزش و پرورش راهنمایی اعلام نمود که ۱۹درصد دانش آموزان کلاس اول راهنمایی ، ۲۲درصد کلاس دوم و ۱۷درصد دوره سوم راهنمایی ترک تحصیل کرده اند . جوان ۲۰/۳/۸۱ .

فهرست منابع

۱- ابهری ، مجید ، علل و عوامل بروز آسیبهای اجتماعی ، انتشارات پشوتن ، ۱۳۸۰

۲- بررسی علل ، عوامل و انگیزه های فرار زنان از خانه ، معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا ، ۱۳۷۰ .

۳- جمعی از نویسندگان ، خشونت و جامعه ، ترجمه دکتر اصغر افتخاری ، انتشارات سفیر ، ۱۳۷۹ ،

۴- رفیع پور ، فرامرز ، آنومی یا آشفتگی اجتماعی ، نشر سروش ، ۱۳۷۸

۵- سارا سون ، ایروین جی ، روانشناسی مرضی ، ترجمه دکتر بهمن نجاریان و همکاران ، نشر رشد ، ۱۳۷۱ .

۶- کلمن ، جیمز ، سی ، روانشناسی نابهنجار و زندگی نوین ، ترجمه دکتر کیانوش هاشمیان ، انتشارات دانشگاه الزهراء .
۷- صالح ، علیرضا ، بررسی مقایسه ای ویژگیهای شناختی ، رفتاری ، اجتماعی ، کودکان خیابانی و شبانه روزی شهر تهران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۷۹ .
۸- فرجاد ، محمد حسین ، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات ، انتشارات بدر ، ۱۳۷۸ ، چاپ هشتم .
۹- قابضی ، علیرضا ، پرستوهای بی آشیان (بررسی علل فرار دختران) ، مجله اصلاح و تربیت ، اسفند۷۹ .
۱۰- مساواتی ، مجید ، جامعه شناسی انحرافات ، انتشارات نوبل ، ۱۳۷۴ .

علت فرار دختران

علت فرار دختران

در این راستا پاسخ ۳۰ نفر دختر نوجوان فراری دستگیر شده با پاسخ ۶۰ نفر از نوجوانان راهنمایی و دبیرستای به عنوان گروه گواه (کنترل) مقایسه شده است .

یافته های تحقیق نشان می دهد که نابسامانی خانواده ، سردی روابط عاطفی ، متارکه و طلاق ، وجود ناپدری یا نامادری ، فقر فرهنگی و بیسوادی و اعتیاد از مهمترین عوامل بر انگیزنده تمایل فرار در نوجوانان بوده است .

تقریبا ۱۰۰درصد فراریان وضعیت خانواده خود را آشفته و نابسامان توصیف کرده اند در صورتیکه ۹۰ درصد گروه کنترل وضعیت خانواده خود را رضایت بخش یا کاملاً رضایتبخش توصیف نموده اند و تنها ۱۰ درصد اظهار داشته اند که گهگاه شاهد مشاجره والدین خود بوده اند .

۴۳ درصد پدران نوجوانان فراری بیسواد بوده اند در حالیکه در گروه کنترل تنها ۱۱درصد بیسواد بوده اند و آزمون های آماری معنی دار بودن تفاوت بین فراوانی ها را تائید نموده است .

از نظر میزان تحصیلات ، یافته های محقق نشان می دهد ۷۰ درصد نوجوانان در گروه آزمایش قبل از اتمام دوره ابتدایی ترک تحصیل نموده اند وتنها ۶/۶ درصد آنان به دوره دبیرستان راه یافته اند . از نظر تعداد اعضای خانواده میانگین جمعیت درگروه اول ۲۵/۷ نفر و در گروه کنترل ۹۵/۶ می باشد .

از نظر وضعیت تحصیلی دو گروه می توان نارضایتی از وضعیت تحصیلی خود را به وضوح در گروه اول مشاهده کرد در صورتیکه در گروه دوم (گواه) اکثراً از وضعیت تحصیل خود راضی بوده اند . افراد فراری پس از ترک خانه با ۳/۶۳ درصد فحشا بیشترین جرم و۳/۲ درصد ایراد ضرب و جرح کمترین جرم را داشته اند . ۷۵ درصد نوجوانان فراری بیش از یکبار سابقه فرار از خانه را داشته اند . ۶۲ درصد مادران در گروه اول بی سواد بوده اند در صورتیکه در گروه دوم ۳۲درصد مادران بی سواد بوده اند . از نظر سنی توزیع سن پدران در گروه اول بیشتر و در وسط منحنی قرار دارد . از نظر شغلی ۳۵ درصد پدران در گروه کنترل دارای مشاغل اداری بوده اند در صورتیکه در گروه آزمایش تنها ۵/۱۲ درصد کارمند بوده و مابقی مشاغلی چون کارگری و کشاورزی و سایر مشاغل آزاد را برشمرده اند .

در این قسمت از پژوهش سعی شد تا با مقایسه پاسخ های دو گروه در مقطع سنی ۱۲-۱۸ سال علل و عوامل فرار دختران نوجوان از خانه را تعیین نمائیم .

یافته های پژوهش عبارتند از :

۱- بین تعداد اعضای خانواده وفرار نوجوانان از خانه رابطه وجود دارد .

۲- بین وضعیت تحصیلی (موفقیت یا شکست) نوجوانان و فرار از خانه ، ارتباط وجود دارد .

۳- میزان تحصیلات پدر با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد .

۴- بین میزان تحصیلات مادر و فرار نوجوان رابطه وجود دارد .

۵- بین سن پدر و فرار فرزند رابطه وجود دارد . یافته های تحقیق نشان می دهند اکثر پدران نوجوانان فراری در دو قطب کم سن و مسن قرار داشته اند در صورتیکه پدران گروه گواه میان سال بوده اند .

۶- بین سن مادر و فرار نوجوانان از خانه رابطه وجود دارد .

۷-وضعیت زندگی و نحوه سازگاری در خانه با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . یافته های پژوهش نشان می دهد تقریبا صددرصد نوجوانان فراری از خانه وجود ناسازگاری والدین و دیگر اعضای خانواده را تائید کرده اند در صورتی که در گروه گواه تنها ۳/۸ درصد از وجود ناسازگاری در خانه شکایت کرده اند .

۸- شغل پدر با فرار نوجوان از خانه رابطه دارد . یافته های تحقیق نشان می دهد که اکثریت نوجوانان فراری از خانه پدرانی فاقد شغل مشخص یا کارگر داشته اند در صورتیکه در گروه گواه اکثریت با پدران کارمند بوده است .

۹- میان درآمد والدین وفرار نوجوانان از خانه رابطه وجود دارد .

۱۰-بین اعتیاد والدین و فرار دختران از خانه رابطه وجود دارد . تحقیقات نشان می دهد ۵۲ درصد پدران در گروه اول به یکی از مواد مخدر نظیر تریاک و هروئین معتاد بوده اند در صورتیکه در گروه دوم هیچگونه اعتیادی مشاهده نشده است .

۱۱- بین روش برخورد والدین با فرار از خانه ارتباط وجود دارد . یافته های تحقیقق نشان می دهد ۱۰۰درصد نوجوانان در گروه اول از انواع تنبیه بدنی رنج می برده اند در صورتیکه در گروه گواه ۴۷ درصد اظهار داشته اند هرگز تنبیه نشده اند و تنها درصد کمی ، آ ن هم بندرت مورد تنبیه قرار گر فته اند و این خود حکایت از آن دارد که اعمال خشونت و تنبیه بدنی فرد را در یک شرایط بحرانی قرار داده که در نتیجه آن اقدام به فرار از خانه نموده است .

۱۲- ترجیحات در چگونگی گذراندن اوقات فراغت با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . در یک بررسی اجمالی در خصوص ترجیحات چگونگی گذراندن اوقات فراغت دو گروه نشان می دهد در گروه اول هیچ یک تمایلی به ماندن در خانه و گذراندن اوقات فراغت خود با اعضای خانواده از خود نشان نداده اند در صورتی که در گروه دوم ۴۵درصد پاسخ دهندگان ماندن در خانه را ترجیح داده اند .

۱۳- بین فرار از مدرسه و فرار از خانه رابطه وجود دارد . اطلاعات به دست آمده نشان می دهد که اکثر نوجوانان در گروه اول قبل از اقدام به فرار از خانه بارها مدرسه را بدون اجازه والدین و مسئولین ترک کرده اند در صورتیکه در گروه دوم ۶/۷۶ در صد اظهار داشته اند هرگز مدرسه را بدون مجوز برای چند ساعت ترک نکرده اند .

۱۴- میان ترک بدون مجوز از خانه و فرار از خانه رابطه وجود دارد . بررسی ها نشان می دهد صددرصد افراد فراری قبل از اقدام به فرار از خانه ساعتها وقت خود را بدون اجازه در بیرون خانه (پارک ، سینما و . . .) گذرانیده اند . متاسفانه پس از بازگشت به خانه نیز کسی ا زآنها نپرسیده است کجا بوده و اوقات خود را با چه کسانی گذرانیده اید ، در صورتیکه در گروه گواه ۳/۶۳ درصد اظهار داشته اند هرگز خانه را حتی برای یک ساعت بدون اجازه والدین ترک نکرده اند و تنها یک نفر ۶/۱درصد اظهار داشته بیش از سه روز بدون مجوز خانه را ترک گفته است که پس از بازگشت شدیداً مورد بازخواست قرار گرفته است . این خود دال بر این است که والدین در گروه اول نظارت چندانی بر رفتار فرزندان خود نداشته اند .

۱۵- وجود نامادری یا ناپـدری در خانه با فرار نوجوان از خانه ارتباط دارد . یافته ها نشان می دهـد ۳/۱۸ درصد افراد در گروه اول نامادری و ۳۰ درصد نیز گرفتار ناپدری بوده اند که جمعا ۳/۴۸ درصد را تشـکیل می دهند ، در صورتیکه در گروه گواه حتی یک مورد نیز گزارش نشده است .

پیشنهادات

الف) توصیه و پیشنهادات برای مسئولین

برای آنکه انحرافی پدیـده نیایـد لازم است تـا خانواده بعنوان یک کانون مقـدس بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد همچنین باید :

۱- امنیت خانواده از هر حیث تضمین گردد .

۲- نابسامانی ها و اختلافات و بگو مگوها تعطیل گردد یا حداقل از انظار کودکان پنهان بماند .

۳- به امر تعلیم و تربیت فرزنـدان بـذل توجه گردیـده و تصور نکنند با سپردن فرزند به مدرسه این تکلیف دیگر از آنان ساقط می گردد .

۴- به حقوق زوجین از نظر اسلام توجه گردد .

۵- والدین با آموزشهای مستمر با اصول و مبانی تربیتی آشنا گردند (ارتقاﺉ سطح فرهنگ خانواده)

۶- والدین تشویق گردند تا ساعات بیشتری را در خانواده و با اعضاء آن بگذرانند .

۷- زمینه ها و عوامل ایجاد تزلزل در خانواده از بین برود .

۸- پرورش مذهبی و رعایت اخلاق اسلامی سر لوحه کارها و فعالیت های اجتماعی قرار گیرد .

۹-روح عدالت طلبی و رعایت مساوات بین فرزندان گسترش یابد .

۱۰- همواره شخصیت فرزندان به ویژه در حضور دیگران مورد تکریم قرار گرفته و از سرزنش و تحقیر آنان جداً پرهیز گردد .

۱۱- تشـکیل دوره های فشرده و کوتاه مدت قبل از ازدواج برای زوجهای جوان و استفاده از اساتید مجرب و صاحب نظر برای ارائه آموزش های لازم . زیرا بسیاری از زوج های جوان به مسئولیت های سنگین خویش در قبال فرزندان خود آگاهی ندارند .

۱۲- فراهم نمـودن تسـهیلات لازم برای ادامه تحصـیل فرزنـدان خـانواده هـای بی سرپرست و آسیب پـذیر ، زیرا بسـیاری از نوجوانان فراری بـدلیل فشارهای اقتصادی ترک تحصـیل نموده و ابتدا درجسـتجوی کار به شـهرهای بزرگ روی آورده اند و بعداً بر اثر همنشینی با افراد منحرف به سوی انحراف سوق پیدا کرده اند .

۱۳- تاسیس یک مؤسسه شبانه روزی برای نگهداری کودکان بی سرپرست و یا کودکانی که گرفتار سوء سرپرستی می باشند که متاسفانه مورد دوم بسیار بیشتر است ودرعین حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است .

فرار دختران

ب) چند توصیه به والدین

والـدین بایـد توجه داشـته باشـند که از نظر اسـلامی وظیفه دارنـد تـا نسـبت به تعلیم وتربیت صـحیح فرزنـدان ، خود را از هیچ کوششی فروگذار ننمایند .

روایات و احادیث بسیاری به این مهم تأکید دارند به علاوه ضرورت دارد تا به موارد زیر توجه نمایند :

۱- فرزندان خود را از محبت سـیراب نموده تا کمبود محبت سـبب نشود آنها در جستجوی این نیاز مهم به بیگانه و ا فراد فاسد و منحرف روی آورنـد . زیرا بسـیاری از انحرافـات نه به دلیل کسب پول و یا ارضاء شـهوات انجام می گیرد بلکه فقط به دلیل کمبودهای شدید عاطفی و نیاز به محبت به وجود آمده است .

۲- گرچه ممکن است در هر خانه ای گهگاهی مشاجره و درگیری رخ دهد ، اما هرگز نباید این اختلافات و درگیریها به میان فرزنـدان کشانیـده شود و از ذکر این گونه مبـاحث در حضور آنان جـداً خودداری گردد . زیرا احساس امنیت آنها را در خانه متزلزل خواهد نمود .

۳- والدین خانه را به محیطی امن ، صمیمی و دوست داشتنی برای فرزندان تبدیل نموده تا آنها در خانه احساس امنیت نمایند . مسلماً جذب چنین خانواده هائی مانع گریز کودکان و نوجوانان از خانه خواهد بود .

۴- به فرزندان خود احترام بگذارند و صادقانه بکوشـید تا آنها را جهت برخورد با مشکلات خویش و حل آن یاری دهید و از پند و اندرز مستقیم به آنها بالاخص در حضور دیگران پرهیز نمائید .

۵- در هر فرصتی سـعی شود تا با فرزندان گفتگو نموده و به سـخنان آنها نیز گوش فرا دهید و با جلب اعتماد آنان زمینه ای را فراهم آوریـد تا به راحتی بتواننـد مسائل و مشـکلات خود را با شـما در میان گذارنـد در پژوهشـی که نگارنـده در میان دانش آموزان راهنمائی و دبیرسـتانی به انجام رسانیـده است مشـخص گردیـد چنین رابطه ی حسـنه ای کمتر بین والـدین و نوجوانان وجود دارد . در پاسخ به این سؤال که هنگام برخورد با مشکل مایلند آن را با چه کسی در میان گذراند ؟

معلم ، مـدیر ، مربی ، والدین و دوسـتان ، ۲۷ درصد آنها والدین را انتخاب کرده بودند که متأسـفانه حکایت از سـستی روابط عاطفی والدین ، با فرزندان دارد .

۶- هرگز فرزنـدان خود را به خاطر ضـعف و ناتوانی هایش شـماتت و سـرزنش نکنید و از مقایسه آنان با دیگر هم سن و سال هایش پرهیز نمائید و امتیازات دیگر را به رخ وی نکشید .

۷- بیش از حـد توان آنهـا تکلیف به آنهـا واگـذار نکنیـد زیرا عـدم توفیق در انجـام تکـالیف محوله وی را دچـار احساس بی کفـایتی و عـدم اعتمـاد به نفس می نمایـد در صورتیکه توفیق در انجـام وظـائف محوله به وی اعتمـاد به نفس و احساس خود باوری می بخشد . پیامبر اکرم (ص) بسیار تأکید فرموده اند که به فرزندان خود احترام کنید و به آنان به اندازه توازن تکلیف واگذارید .

۸- به فرزندان خود بیاموزید که از برخورد با مشکلات نهراسیده و در رفع آن به طور منطقی و شجاعانه اقدام نمائید و هرگونه پیشرفت آنها را در این مسیر مورد تشویق قرار دهید .

۹- روح معنویت را در خـانه زنـده نگهداریـد و سـعی نمائیـد تـا در اعماق دل فرزنـدان آن را رسوخ دهیـد زیرا بهترین نیروی بازدارنده از هرگونه لغزش و انحراف فرد و جامعه همان تقویت روح معنویت و ایمان به خالق جهان هستی است .

۱۰- بایـد توجه داشت که زمان برای فرزنـدان با زمانی که خود در آن رشـد یافته انـد متفاوت بوده و هرگز نباید توقع داشـت نسل جدید نیز همان شیوه پیشینیان را در زندگی ، آداب و رسوم ، لباس پوشیدن ، پیشه خود سازنده .

فرار

مقدمه

فرار نوعی رفتار سازش نایافته است که در فرایند آن ، کودک یا نوجوان به منظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه های بیرون از خانه ، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود آگاهانه خانه را ترک می کند و سریعاً بدون واسطه به خانه برنمی گردد . (رسول زاده طباطبایی و همکاران۱۳۸۴)

انواع فرار

انجمن پزشکی نوجوانان (society for assescent medicine) نوجوانان فراری را به چندین گروه که ممکن است با یکدیگر همپوشی داشته باشند تقسیم کرده است . (رسول زاده طباطبایی و همکاران۱۳۸۴)
۱-فرار های موقعیتی (situational runaways) که بعد از یکی دو روز به خانه بر می گردند .
۲-فرار هایی که بمدت طولانی خانه را ترک کرده و تبدیل به فرارهای کهنه کار وبچه های خیابانی می شوند .
۳-رانده شده ها (Throwaway) که والدین آنها را طرد و مجبور به ترک خانه می کنند .
۴-جوانان سازمان یافته (system youths) که بدلیل فقدان خانواده در پرورشگاهها و موسسات زندگی می کنند و بدلیل عدم تحمل شرایط آنجا فرار می کنند .
فرار از خانه پدیده پیچیده ای است که نتیجه تعامل مجموعه ای از عوامل خانوادگی ، روانشناختی و اجتماعی است .

رویکردها

توضیح

دو رویکرد نظری مهم در زمینه فرار دختران ، رویکرد انگیزشی و رویکرد شخصیتی می باشند رویکرد اول انگیزه های فراراز خانه را مورد بررسی قرار می دهد در حالی که رویکرد دوم به بررسی ویژگی های شخصیتی و روانشناختی نوجوانان فراری می پردازد . (محمد خانی ۱۳۸۶)

رویکرد انگیزشی

(هومر۱۹۷۳ بنقل محمد خانی ۱۳۸۶) با توجه به بکار گیری رویکرد انگیزشی در مورد دختران فراری انگیزه های آنها را به دو نوع طبقه بندی می کند :
-" فرار از وضعیت نامناسب خانواده" بعنوان مثال تعارضات و اختلافات خانوادگی
-" فرار برای رسیدن به اهداف خاص" برای مثال روابط عاشقانه و رمانتیک ، گشت وگذار ، ارتباط جنسی و . . . . .
هومر با رد این عقیده که رفتار فرار از خانه صرفاً واکنشی به تعارضات و کشمکش های خانوادگی یا فریاد برای کمک خواهی باشد ، اظهار می دارد که بسیار ی از کودکان صرفاً بدلایل خانوادگی فرار نمی کنند نوجوانانی که برای رسیدن به هدفی اقدام به فرار می کنند ممکن است مشکلاتی با خانواده یا مدرسه و جامعه داشته باشند ولی بیشتر در جستجوی هیجان

هستند هومر این دختران را جستجو گران لـذت می نامـد . آنها به سوی مکانها و افرادی فرار می کننـد که از آن منع شده اند مانند روابط جنسی ، مواد و مشروبات الکلی ، و معمولاً جذب گروههای بزهکاری می شوند .

رویکرد شخصیتی

در این رویکرد ، توجه به خصوصیات شخصیتی به عنوان توضیحی برای رفتار فرار از خانه در نظر گرفته شده است که یا فرار را به عنوان یـک "نشـانه روان رنجوری" می بیننـد و یا بر ارتباط "بین کنترل داخلی و خارجی" فرار تکیه می کنـد . منظور از نبود کنترل خـارجی ، ناتوانی در تاثیر گـذاری بر وقایع خارجی یا مقاومت کردن در برابر آنهاست دخترانی که کنترل خارجی ندارنـد معمولاً خود را ضـعیف می پندارنـد و راحت تر تحت تاثیر قرار می گیرند . همچنین منظور از نبود کنترل داخلی وجود رفتارهای تکانشی[۲] ، عصبانی شدن ، عدم توانایی قضاوت کردن و احساس درماندگی داشتن است . (حمیدی ۱۳۸۳)
تحقیقات در زمینه دختران فراری نشان می دهد که در گذشته زندگی آنها عوامل زیر قابل تشخیص است :
از دست دادن پـدر و مادر ، در معرض تهدیـد قرار گرفتن بمـدت طولانی ، احساس عـدم پـذیرش توسط والـدین ، تنبیه شدید توسط یکی از اعضای خانواده و . . . . . بدین ترتیب شـرایط گذشـته این افراد نقش بسـزایی در فرار آنان از خانه داشته است و مطـابق بـا نظریه شـناختی بـک این تجربه های نامساعـد دوران کودکی به مرور زمان منجر به شـکل گیری خطاهای فکری می شود تا زمان بروز یک رویداد تنیدگی زا (معمولا بلوغ) نهفته باقی می ماند زمانی که یک موقعیت شکست زودرس واقع می شود افکـار منفی فراگیر بروز می کنـد که خود را بشـکل عزت نفس پـایین نشان می دهـد . از نظر آدلر نیز فقـدان عزت نفس بعنوان مهم ترین متغیر روانی در علت شناسـی انحرافات و یا ناسازگاری شخصـیت است . همچنین در زمینه ارتباط عزت نفس و بزهکاری نوجوانان تحقیقات متعدد نشانگر یک ارتباط علی مشهود است و مشخصاً عزت نفس با بزهکاری همبستگی منفی دارد . (طهرانی زاده ۱۳۸۴)
بررسـی ها نشان می دهد که شـکل گیری موفق هویت با سلامت روانشناختی ارتباط دارد (ولی اوراس و بوسما ۲۰۰۵ بنقل از شـاره و همکاران ۱۳۸۶) سـطح پایین روانشـناختی باعث رشد آهسـته تر در فرآیند شـکل گیری هویت می شود بررسـی های طولی نشانگر ارتباط بین پایگاههای تعلیق (موراتوریوم) وهویت مغشوش با سـطح پائین سـلامت روانشـناختی می باشـند . در یـک پژوهش در ایران (شـاره و همکـاران ۱۳۸۶) نشـان داده شـد که بین پایگـاه هویت دخـتران فراری و دختـران غیر فراری تفـاوت معنی داری وجـود داردهمچنین این پژوهش نشـان می دهـد بین فرار و پایگـاه هویت مغشوش رابطه معنی داری وجود دارد .

دیدگاه جامعه شناسی

نظریه بوم شناختی
نظریه های جامعه شناسی بر نقش اساسی محیط اجتماعی در شکل گیری انحرافات اجتماعی تاکید می کنند .
نظریه بوم شناختی را جامعه شناسانی چون پارک و برگس مطرح می کنند . آنان در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شـهر نشـینی ارتباط دارد نظیر زبان ، قومیت ، مهاجرت ، حوزه های سـکونت گاهی و تراکم جمعیت تمرکز دارند . (احمدی ۱۳۸۴)

به اعتقـاد پـارک و بر گس آن دسـته از حوزه هـای درون شـهری تجـاری و صـنعتی که به لحـاظ اجتمـاعی دچـار بی سازمانی اجتماعی شده اند ارزشها و سنتهای بزهکارانه را توسعه می دهند . (احمدی ۱۳۸۴)

نظریه بی سازمـانی اجتماعی بر این باور است که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضـعیف تقید های خویشاوندی بعنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی ، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع شهر نشینی ، صنعتی شدن و مهاجرت فزاینده به حوزه های شهری است جرایمی نظیر انحرافات جنسی ، اعتیاد و . . . را افزایش می دهد . . (احمدی ۱۳۸۴)

(اسکافنر۱۹۹۸به نقل از حمیدی ۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان (جستجوی ارتباط دیدگاههای جدید برای نوجوانان فراری) علت فرار و انحراف دختران را ضـعف پیوندهای عاطفی نوجوانان با جامعه می داند . او به اسـتناد تئوری پیوند اجتماعی[۳]و نیز تئوری تعهد[۴]معتقد است که در بحث فرار از منزل تعهد اجتماعی شکسـته شده است اما علی رغم این از هم گسیختگی ، بنظر می رسـد نوجوانـان در برابر فرار از منزل مقـاومت می کننـد و فرار آخریـن انتخـاب برای آنهـاست هرچنـد ممکـن اسـت راههای دیگری نیز برای آنها باشد اما نوجوان هیچگونه اطلاعی از آنها ندارد .

مخاطراتی که پس از فرار ، دختران جوان بی پناه و آسیب پذیر را تهدید می کند معمولاً عبارتند از[۵] :

?-گرفتار شدن در دام شبکه های قاچاق دختران و زنان جوان :

قاچاقچیان ، ایادی خود را درمناطقی ماننـد پارک ها ، مقابل مدارس راهنمایی ودبیرسـتان ها و اماکن عمومی می گمارند تا با پرسه زدن در این امـاکن و شـناسایی دخترانی که ازمنـازل خود فرار کرده انـد ، آنها را با وعـده هایی ، به دام اندازنـد . گاهی فرار ، پس از طرح دوستی و آشنایی از سوی دلالان شبکه های قاچاق و دادن وعده های مختلف چون خروج آسان ازکشور و درآمد خوب و زندگی بهتر ، اتفاق می افتد .

?-تجاوز ، اجبار و تحمیل :

معمولا دختران فراری که آسیب پذیر نیز هستند ، گرفتار مشکل تجاوز ، اجبار و تحمیل می شوند . قاچاقچیان ، دختران جوانی را که به هر انگیزه از خـانه خود گریخته انـد ، وسـیله درآمـد خود قرار می دهنـد . آنهـا را به برقراری ارتبـاط جنسـی و انجـام کارهای خلاف مجبور می کننـد . در سال های اخیر نوع جدیدی از فریب و قاچاق دختران و زنان ازطریق اینترنت مشاهده می شودکه بیشترحاصل گسترش شبکه های ارتباطی مجازی است .

?- انگ اجتماعی و عدم امکان بازگشت به شرایط گذشته ، از دیگر مباحث تامل برانگیز در مورد دختران فرار است .

و۴-خطر افزایش عفونت HIV :

بزرگـترین نگرانی در مـورد نوجوانــان فراری و بی خانمـان ، خطر افزایش عفـونت HIV می باشـد که دلیـل آن شـیوع بالای مصـرف مواد مخـدر تزریقی و رفتارهـای پر خطر جنسـی در نوجوانان فراری و خیابانی می باشـد . (green et al ۱۹۹۹ به نقل از شاره۱۳۸۳)

پیشنهادهایی برای حل این معضل

-توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف فرهنگی ، اقتصادی وتربیتی

-بکـار گیری تمهیـدات لازم جهت پیشـگیری و کـاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره وارائه کلاس های آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی

–تهیه و نمایش فیلم های آموزشی درباره اثرات روشهای نادرست تربیتی (محدودیت های زیاد وآزادی زیاد ، فاصله عاطفی و . . .) برای والدین

–تقویت ارتباط میان والدین با مربیان و تعامل میان مدرسه و خانواده

–تقویت مراکز مشاوره مفید و کار آمد در مدارس و مناطق آموزش و پرورش

–انجام تست های سلامت سنجی روانی از دانش آموزان و شناسایی نوجوانان مستعد فرار از خانه و الزام مراقبت های مورد نیز برای آنان (عباسی ۱۳۸۳)

و–ایجاد مراکز مشاوره جهت آشتی بین خانواده ها و نوجوانان فراری

–ایجاد یک مرکز دولتی و قبول حضانت و تربیت نوجوانان خانواده های گسسته

–آشنایی نیروی پلیس با خصوصیات دختران فراری ونحوه برخورد با آنان

–تقویت و سازماندهی نهادهای موثر در امداد خانواده ها از جهات مختلف (بطور کلی برقراری عدالت اجتماعی در جامعه)

منابع

– برزگر صادق ۱۳۸۲ ، فرار دختران ، قم : نشر جمال .

– حمیدی فریده۱۳۸۳ ، تاثیر ساخت خانواده بر فرار دختران ، فصلنامه پژوهش زنان دوره۲ ، شماره۳ .

– رسول زاده طباطبایی کاظم و همکاران۱۳۸۴ ، بررسی مقایسه ای ویژگی های شخصیتی ، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و دختران غیر فراری ، دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار ، دانشگاه شاهد ، سال دوازدهم –دوره جدید ، شماره ۱۰ .

– شاره حسین و همکاران ۱۳۸۶ ، رابطه بین پایگاههای هویت و فرار دختران از خانه ، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران ، سال سیزدهم ، شماره۲ .

– طهرانی زاده مریم و همکاران۱۳۸۴ ، بررسی مقایسه ای نگرش های ناکارآمد در دختران فراری و عادی ، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ، سال پنجم ، شماره ۱۹ .

– عباسی محمد ۱۳۸۳ ، عوامل فرار دختران از خانه ، مجله علمی تخصصی معرفت ، سال سیزدهم شماره۵ .

– محمد خانی شهرام ۱۳۸۶ ، عوامل روانی اجنماعی موثر در فرار دختران از خانه ، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ، سال ششم ، شماره ۲۵ .

آسیب شناسی فرار دختران از خانه

مقدمه

فرار آغاز بی خانمانی و بی پناهی است و همین امر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را فراهم می کند . دختران فراری برای امرار معاش به سرقت ، تکدی گری ، توزیع مواد مخدر ، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز ، روسپیگری ، عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشاء اقدام می کنند . برخی از این دختران پس از فرار در ساختمانهای متروکه ، پارک و خانه های فساد ، شب را به صبح می رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند فقط برای آنکه بتوانند زنده بمانند

مسأله شناسی فرار از خانه

تعریف فرار

فرار از خانه و اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل و ترک اعضای خانواده ، بدون اجازه از والدین یا وصی قانونی خود ، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد ، غیر قابل تحمل و بعضا تغییر ناپذیر است . این عمل معمولاـ به عنوان مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرکهای آزار دهنده و مضر و دستیابی به خواسته های مورد نظر و عموما آرزوهای دور و دراز انجام می شود .

چه عواملی منجر به فرار از خانه می شود ؟

۱-خشونت در خانواده :

اعمال خشونتهای روحی ، جسمی از سوی اعضای خانواده ، عامل بسیار مهمی در فرار دختران است . بسیاری از دخترانی که قربانی این خشونتها می باشند به دلیل ترس از آزاردهندگان و آبروی خویش ، جرات اظهار مشکلاتشان را ندارند ، لذا از خانه فرار می کنند و در شرایطی که از سوی نیروهای امنیتی مجبور به بازگشت شوند ، تمایلی به اینکار ندارند . زیرا از محیط ناامن خانه می هراسند .

۲-تبعیض

بسیاری از والدین آگاهانه و یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان ، موجب اختلاف بین آنها و دلسردی آنها از زندگی می شوند . تبعیض در مواجه با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود . تبعیض با روحیه حساس و عزت نفس دختران منافات دارد و لطمات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنها وارد می کند .

۳-محدودیت مطلق :

در بعضی خانواده ها به خواسته های مادی ، معنوی فرزندان توجهی نمی شود . لذا توانایی و مقاومت آنها درهم می شکند ، و از هر فرصتی جهت عدم پیروی از هنجارهای خانواده بهره می برند و در صدد هستند با فرار از خانه ، از این محدودیت ها رهایی یابند .

۴-آزادی مطلق :

توجه بیش از حد متعارف و در اختیار بودن امکانات فوق حد سنی فرزند می تواند زمینه مسائلی چون فرار از خانه را ایجاد نماید .

وقتیکه تمایلات و خواسته های فرزندان محقق می شود ، لذا به محض ایجاد مشکلات و بحرانها و فشارها ی زندگی ، که در آن امکان تحقق برخی از آرزوها سلب می شود و یا در شرایطی که خواسته های فرزند به افراط می گراید و والدین با آن مخالفت می نمایند . فرزند ، به دلیل تربیت عاطفی (نه تربیت عقلانی) روحیه عدم درک منطقی شرایط ، ناز پروری و کاهش دامنه استقامت ، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد که نهایتا می تواند زمینه فرار از خانه را فراهم نماید .

۵- وسایل ارتباط جمعی

نقش رسانه های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بندو باری اخلاقی ، مقابله با هنجارهای اجتماعی ، عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زود رس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است .

۶- شهر نشینی

بافت اجتماعی شهرهای بزرگ و پیچیدگی روز افزون زندگی شهری ، فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می کند .

جاذبه شهرهای بزرگ ، رفاه ، تجملات شهری و امکانات مادی ، انگیزه در اختیار داشتن آنها و زندگی در این محیط را مضاعف می کند و سیل عظیم جمعیت با هدف یافتن شغل و دستیابی به امکانات فوق مهاجرت می نمایند وشهرهای بزرگ را با خرده فرهنگهای مختلف در هم می آمیزند و بدین ترتیب پایبندی به آداب و رسوم کاهش می یابد و آزادی عمل فرد نیز بیشتر می شود . گاهی همین سراب زندگی مرفه شهری و آزادی عمل دختران را به سوی شهرها متواری می نماید .

۷- تغییر ارزشها

انسانهای دنیای امروز در چهار راه سرگردانی و تضاد ارزشها گرفتار آمده اند و نمی دانند به کدامین سو حرکت کنند . از یکسو جامعه بستر نوینی از ارزشهای اجتماعی مدرن را مقابل دیدگان افراد قرار می دهد و از سوی دیگر فرد را با بن بستهای بسیاری در دستیابی به اهداف جدید مواجه می کند .

جوان امروز در این شرایط با مشکل بحران هویت روبروست . گاه آنچه که اجتماع بطور عملی به او می آموزد با ارزشهای خانوادگی سنخیتی ندارد و همین امر شخصیت او را دچار دوگانگی می نماید . دختران امروزدچار خود درگیری میشوند و برای فرار از این حالت به شیوه های مختلفی نظیر فرار از خانه متوسل می گردند .

۸- مشکلات اقتصادی

برخی از صاحبنظران مشکلات اقتصادی را علت عمده آسیبهای اجتماعی می دانند . البته این به مفهوم نگرش تک عاملی در تبیین انحرافات نمی باشد . به اعتقاد آنان عوامل اقتصادی درچگونگی زندگی فردی و اجتماعی تاثیر گذار است . فقر و توزیع ناعادلانه ثروت به همراه فقر فرهنگی زمینه ساز انواع رفتارهای نابهنجار می باشد .

امروزه فشار و مشکلات اقتصادی ، احتمال دو شغله بودن و اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است .

همین مسئله منجر به کم توجهی آنها نسبت به نیاز جوانان ، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است

پیامدهای فرار دختران

توضیح

فرار دختران در واقع تعرض به قاعده کهن و مرسوم زمانهای دیروز و امروز است که نه خانه را محل امن وآرامش و آسایش می داند نه محلی که باید از آن گریخت . این تعرض و جدال جامعه را تحریک کرده و آشفتگیهای خاصی را دامن می زند . هنگامی که دختری به طور غیر منطقی فرار می کند ، خود و پیرامونش یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیبها و خطرات زیادی قرار می دهد . این پیامدها در بعد فردی ، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است

.

پیامدهای فردی

فرار آغاز بی خانمانی و بی پناهی است و همین امر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را فراهم می کند . دختران فراری برای امرار معاش به سرقت ، تکدی گری ، توزیع مواد مخدر ، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز ، روسپیگری ، عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشاء اقدام می کنند . برخی از این دختران پس از فرار در ساختمانهای متروکه ، پارک و خانه های فساد ، شب را به صبح می رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند فقط برای آنکه بتوانند زنده بمانند . دختران فراری تمام پلهای پشت سر خود را خراب و ویران می کنند . ارتکاب به نوع جرایم و فساد اخلاقی موجب می شود که دچار انواع بیماریها و اختلالات روحی و روانی شوند و برخی از آنها به دلیل سر افکندگی ناشی از تجاوزات دست به خود کشی می زنند .

از دیگر پیامدهای ناگوار فرار دختران ، روسپیگری و ابتلا به انواع بیماریها از جمله ابتلا به ویروس ایدز می باشد . هر چقدر مدت زمان فرا رفرد طولانی تر باشد و با افراد بیشتری تماس داشته باشد ، خطر ابتلا به ویروس ایدز افزایش می یابد .

پیامدهای خانوادگی

فرار دختران می تواند بزرگترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد این عمل اولاـ نشانه ای از نا کار آمدی خانواده در تربیت فرزند ، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان واختلافات خانوادگی است . و ثانیا از آنجا که فرجام و سر انجام دختران در اکثر موارد چنانکه ذکر گردید گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشاء و ارتکاب جرائم اخلاقی است ، لذا فرار به مفهوم لکه ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می شود و بدین لحاظ است که فرار دختران کمتر توسط خانواده ها گزارش می شود و اغلب پس از بی نتیجه ماندن جستجوها و تلاشهای خانوادگی ، فرار دختران با عنوان فقدانی دختریا دزدیده شدن او به مراجع قضایی گزارش می شود .

از طرف دیگر دختران فراری با درگیر شدن در مسائل غیر اخلاقی نمی توانند به خانواده باز گردند ، مگر آنکه خانواده به این نکته توجه نماید که عدم پذیرش فرد به معنای فرو غلتیدن هر چه بیشتر او در منجلاب فساد و تباهی است . در هر حال زندگی دختر فراری در صورت بازگشت به منزل نیز همراه با مشکلات مضاعف خواهد بود .

پیامدهای اجتماعی

جامعه شناسان معتقدند پدیده های اجتماعی همچون حلقه های زنجیر به هم متصل ووابسته اند ، بطوری که افزایش نرخ آسیبهایی چون طلاق ، بیکاری ، اعتیاد ، منجر به افزایش آسیبی نظیر فرار دختران می شود و نکته قابل توجه آنکه فرار دختران از خانه به افزایش نرخ مفاسد اجتماعی منتهی می گردد .

آسیبهای اجتماعی از جمله ، فرار همچون امراض و ویروسهای هستند که موجب ایجاد فضای مسموم در جامعه می شوند و می توانند ضمن لکه دار نمودن عفت عمومی و شکستن حریمهای اخلاقی ، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه را تهدید نموده و آسیب جدی بر سلامت جامعه وارد نمایند .

از دیگر پیامدهای فرار دختران اینست که هزینه های فراوانی را بر دوش جامعه و دولت می گذارد ، بطوریکه اقداماتی نظیر گزارشات فقدانی دختر و شناسایی دختران فراری توسط نیروهای چند گانه امنیتی ، بازجویی و مراحل قضایی ، ایجاد مراکز مختلف –مانند کانون اصلاح و تربیت ومراکزی که قبلاـ در زمینه سازماندهی دختران فراری ، فعال بودند و نیز مسئولیت سازمان بهزیستی – که تماما هزینه هنگفتی را بر جامعه تحمیل می نماید .

راهکارهای مقابله با این مسأله

زمینه هایی برای مقابله با این مسأله وجود دارند از جمله :

توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف ، تربیتی ، اقتصادی ، فرهنگی آنها از طریق دولت تقویت و سازماندهی نهادهای مردمی موثر در امداد خانواده از جهات مختلف ، نظیر کمیته امداد امام خمینی ، بنیاد های خیریه ، صندوقهای قرض الحسنه

احیای سنتهای دینی و حاکمیت ارزشهای اجتماعی اسلام نظیروجوب احترام به والدین ، رسیدگی به خویشان ، نظارتهای فامیلی چون ولایت پدر ، جد پدری ، برادر بزرگتر .

نظر به اینکه با استناد به اطلاعات و تحقیقات ، بیشتر دختران فراری ازبین خانواده های نابسامان بوده و اغلب فرزندان طلاق هستند ، به کارگیری تمام تمهیدات جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره ، اجبار به شرکت در کلاسهای آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی ، اجبار در مراجعه به مراکز مشاوره از طریق اهرمهای دولتی . . . . ضروری است . نهایتا چنانچه خانواده ای به دلیل اعتیاد ، مرگ والدین ، بیکاری و بیماری همسر از هم گسسته شد ، می توان خانواده را موظف نمود که وضعیت حضانت و تربیت فرزندان را به سازمانی که از سوی دولت مشخص می شود ، گزارش نماید و این سازمان در رفع مشکلات فرزندان چنین خانواده هایی تلاش می نماید و نسبت به رفع خشونت ها و مشکلات این خانواده ها اقدام نماید .

از آنجا که بسیاری از دختران فراری (٧٠٪) درسنین ١۶-١۴ ساله و در دوره های حساس نوجوانی قرار دارند و با مشکلات متعدد خاص این دوره مواجه می باشند . لذا بخشی ازپیشنهادات جهت پیشگیری از فرار دختران معطوف به وزارت آموزش و پرورش می باشد .

همچنین برخی دیگر از پیشنهادات مربوط به سایر عوامل اجتماعی است که در کاهش فرار دختران دخیل می باشد :

– نظارت ، ارزشیابی و باز تعریف وظایف دستگاههای ذیربط در امور مربوط به اقشار آسیب دیده و آسیب پذیر جهت هماهنگی و وحدت رویه وبهینه سازی و حتی ادغام آنها؛

– تاسیس یک مرکز توانمند جهت جمع آوری آمار و اطلاعات منطقه ای ، کشوری ، بین المللی دختران فراری و شبکه های مربوط .

– تربیت نیروهای پلیس انتظامی از بین بانوان متعهد و متدین جهت این مسئله خاص .

– ضرورت اشنایی نیروهای نظامی به ویژه پلیس زن با مسائل روانشناسی دختران فراری و خرده فرهنگ آنها .

– اعمال مجازات های بسیار سنگین ، علنی و جدی (در ملاعام) برای باندهای فساد ، اغفال ، تجارت جنسی .

– قانونمند نمودن نحوه درج اخبار مربوط به بخش حوادث و ممانعت از سوء استفاده از بیان جزئیات فرار به دلیل بد آموزی و

اشاعه منکرات و جلوگیری از قهرمان سازی مطبوعاتی از این عاملین؛

- به کارگیری نیروهای مردمی و سازمانهای غیر دولتی جهت امداد به دختران تحت خشونت خانواده و اطلاع رسانی به نیروهای امنیتی .

- تقویت نظارتهای اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارتهای مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر جهت پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادیهای اجتماعی

منبع : تبیانت

روابط میان پسر و دختر

مقدمه

از زمان گسترش جامعه انسانی ، مسئله روابط میان پسر و دختر در جوامع مختلف مطرح بوده است . ولی در دوران توسعه سیاسی ، اجتماعی و ظهور رسانه های جمعی و سمعی و بصری ، این مسئله شکل دیگری به خود گرفته و با نگرشی نو ، بار دیگر رخ نموده است . از آن جا که امروزه این موضوع ، به ویژه در محیط هایی مانند : دانشگاه ها ، سینماها ، پارک ها ، خیابان ها و . . . نمود بیشتری یافته است ، ضرورت بحث و بررسی آن دو چندان شده است . بی شک پاک کردن صورت مسئله ، در وضعیت کنونی ناممکن است . بنابراین ، باید با راهکارهای درست ، الگوی متناسب با فرهنگ جامعه اسلامی را به نسل جوان ارائه داد .

دیدگاه قرآن و روایات

توضیح

در ایجاد و شکل گیری رابطه ای نا درست مجموعه عواملی موثر است که می توان از میان آنها به نگاه نا مناسب و خود آرایی اشاره کرد . در این مقاله سعی داریم دیگر زمینه های ایجاد ارتباطی نا متعادل را بررسی کنیم و راهکارهایی را برای پیشگیری از آن برای شما بازگو کنیم .

۱–طنازی در سخن

یعنی زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند ، تا دل او را دچار ریبه و خیال های شیطانی نموده شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد . منظور از بیماری دل نداشتن نیروی ایمان است ، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می دارد . (۱) قرآن کریم برای جلوگیری از روابط ناسالم میان زنان و مردان می فرماید : "نازک و نرم با مردان سخن مگوئید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد بلکه درست و نیکو سخن بگویید . " (احزاب . ۳۲) تاثیر کلام به قدری است که مولای متقیان از سلام کردن به زنان جوان خودداری می کند و می فرماید : "می ترسم از این که صدای آنها مرا خوش آید و از اجرم کاسته شود . " (۲)

سخن معمولی و مستقیم بگویید ، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را بپسندند و آن سخنی است که تنها

مدلول خود را برساند ، نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنید

۲–تأخیر در ازدواج

زن و مرد ، مکمل نیازهای روحی و روانی یکدیگرند و هر یک بدون دیگری احساس فقر و نیاز می نماید . زن به دنبال تقدیس از جانب مرد و در آرزوی این است که تنها ملکه کاخ عشق و محبتش باشد . (۳) و به قول ویل دورانت : زن فقط وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه حیات اوست . (۴) و مرد نیازمند کسی است که قلبش برای او بتپد و با گرمی نگاه و کلام پرمهرش ، او را در مواجهه با ناملایمات زندگی امید بخشد و خلاصه اینکه "هر یک از ما ، در جدایی فقط نیمه ای از انسان است و همیشه نگران آن نیم دیگر است" (۵) تا زمانی که دختر و پسر جوان این نیاز فطری را از راه ازدواج تأمین نکرده و به آرامش روانی نرسیده باشند در معرض خطر هستند . لذا رسول خدا (ص) فرمود : آن کس که ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است . " (۶)

۳–بستر اجتماعی

یک عامل بسیار مهم در ایجاد چنین روابطی ، وجود زمینه ای اجتماعی و گاه پنهان در میان جوانان است . اگر در جامعه جوان چنین افکاری رایج شود که داشتن دوست پسر و یا دوست دختر ، نشانه قدرت و جاذبه اجتماعی است و یا این اندیشه که داشتن چنین روابط ، نشانه بزرگ شدن است و یا پیداکردن دوست برای یکدیگر را بخشی از پیمان دوستی به شمار آورند ، روز به روز بر میزان این روابط افزوده خواهد شد . برای رهایی از این زمینه فساد راهکارهایی وجود دارد که عبارتند از :

الف – اصلاح فرهنگ جامعه : اگر چنین افکاری در جامعه رسوخ کرده باشد بر مسئولین فرهنگی جامعه واجب است که تمام امکانات و تلاش خود را در اصلاح فرهنگ جامعه به کار بگیرند زیرا تا فرهنگسازی درست صورت نگیرد خرده کارها نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت .

ب – دقت در انتخاب همنشین : باید راههای صحیح دوست یابی را آموزش داد تا جوانان با دید باز و اندیشمندانه همنشین و دوست خود را انتخاب نمایند .

رسول خدا (ص) می فرمایند : "دین و منش هر شخصی ، متناسب با دوست و همراه است . " (۷)

۴–مرحله رشد

اریکسون سن ۱۲ – ۲۰ سالگی را مرحله احساس هویت در مقابل سردرگمی هویت می داند و می گوید مشکل این دوره خطر آشفتگی نقش به ویژه هویت جنسی و شغلی نوجوان است . در بعضی موارد جوانانی که قادر به رو در رویی با سردرگمی نقش جنسی و شغلی خود نیستند ، هویتی منفی را انتخاب می کنند و به هویت ها و نقش هایی متکی می شوند که به صورت نامطلوب ترین و خطرناک ترین اعمال به آنها عرضه شده است (۸) یکی از این رفتارهای جایگزین ، برقراری ارتباطهای ناسالم است . برای پیشگیری از بروز این مشکل ، باید به نوجوان و جوان در هویت یابی کمک کرد تا بتواند برای خویشتن ، تصویری رضایت بخش و امیدآفرین به دست آورد . عمل انسان مترتب بر شاکله او است به این معنا که عمل هرچه باشد مناسب با اخلاق آدمی است پس شاکله یا هویت نسبت به عمل ، نظیر روح جاری در بدن است . (۹) بنابراین بر والدین

و مسئولین تعلیم و تربیت واجب است که در راه "هویت یابی جنسی" به جوانان کمک کنند تا تصویر روشنی از جنسیت خود و نقش های مربوط به آن ، برخوردهای اجتماعی و دوستی دختران و پسران و عشق و امثال آن پیدا کنند .

۵–عدم تقید خانواده به مسائل دینی

جوانان اولین برخوردها و معاشرت های ناسالم و مختلط را در خانه تجربه می کننـد . فرهنگ خانواده است که حد و مرزها را به فرزنـدان می آموزد . لـذا قرآن کریم می فرمایـد : "ای مومنـان ! خود و خـانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه داریـد . " (تحریم . ۶) یعنی خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید و ادب نمایید . (۱۰) و در نگهداری خانواده همین بس که به آنها امر کنید بدان چه که خدا امر کرده و نهی کنید از آنچه خدا نهی کرده است . (۱۱)
اگر خانواده ها حـدود شـرعی را در روابطشان مراعات نکننـد ، دیگر چه انتظاری از جوانان با آن شـرایط روحی و هیجانی می توان داشت

۶–بی توجهی به نیازهای جوانان در خانه

جوانـان به محبت ، برقراری صـمیمیت ، تنوع ، تفریـح و هر چیزی که شور و نشـاط آنـان را حفظ کنـد ، نیازمنـد هستند . اگر والـدین این نیازهـا را تـأمین نکننـد ، خود آنان دست به کار می شونـد و از آنجا که معمولا جوانان شـتابزده و ناپخته عمل می کننـد ، از هر طریقی برای رفع نیـاز خود اقـدام می کننـد . نکته دیگری که بایـد به آن توجه داشت ، پرهیز از بیکـاری است . خداوند متعال به پیامبر گرامی اسـلام (ص) توصـیه می فرماید : "هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی خود را به کار دیگری مشغول کن" (انشراح . ۷) والدین باید برای اوقات فراغت جوانان خود برنامه داشته باشند . فعالیت های اجتماعی ، فرهنگی ، ورزشی و تفریحی علاوه بر اینکه آنها را از بسیاری از فسادها حفظ می کنند ، در رشد ابعاد مختلف جوان موثر است . والدین در برخورد با جوانان بایـد طریق اعتـدال را پیش بگیرنـد و از هرگونه افراط ، تفریط ، برخورد خشک ، خشن و انعطاف ناپذیر خودداری کننـد . و در ضـمن نظارت و کنترل نامحسوس بر رفت و آمد و رفتارهای آنان ، شخصـیت و حریم خصوصـی آنان راحفـظ نماینـد زیرا اگر شخصـیت او از بین برود و عزت و کرامتی نداشـته باشـد ، هیـچ امیـد خیری در او نیست . (۱۲) و از سرزنش و ملامت نیز پرهیز کنند که آتش لجاجت را در آنان شعله ورتر می کند . (۱۳)

دیدگاه عقل و شرع

مفهوم شناسی و راه های برقراری ارتباط

در رابطه دوستی میـان دختران و پسـران ، از اصـطلاحاتیماننـد : «دوست پسـر» و «دوست دختر» اسـتفاده می شود . مقصود از دوستی دختران و پسـران ، رابطه ای است نسـبتا صـمیمانه و گرم و عمـدتا پنهـانی که در قالب دیـدارهای مخفیانه ، رد و بـدل کردن نـامه و یا برقراری ارتباط تلفنی بین دختر و پسـر ، شـکل می گیرد . این دوستی ها ویژگی ها و پی آمـدهایی دارنـد که بایـد شـناسایی و تحلیـل شونـد . در این دوستی ها معمولاً پسـری با دختری طرح آشـنایی می ریزد . برخی اوقات ممکن اسـت پسـری بـا چنـد دختر و در مواردی نـادر نیز یـک دختر بـا چنـد پسـر نقشه دوستی و آشـنایی بریزد . این گونه دوستی ها بیشتر پنهانی و دوراز چشم خانواده و آشـنایان صورت می گیرد . بنابراین به علت ناشایست بودن این ارتباط از نظر شـرعی و عرفی ،

دختر و پسر مجبورند به منظور طرح ریزی و فراهم آوردن مقدمات دیدار یا برقراری ارتباط با یکدیگر ، توان و زمان بسیاری را صرف کنند . همچنین به سبب پذیرفته نبودن این کارها ، از سوی خانواده و جامعه همواره این دوستی ها با نگرانی هایی همراه است .
ارتباط دختر و پسر می تواند از این راه ها برقرار شود : از طریق نامه نگاری (مکاتبه) به وسیله پست یا فکس ، از طریق گفت و شنود (مکالمه) حضوری یا تلفنی ، از طریق دست دادن (مصافحه) ، از طریق نگاه کردن حضوری یا تصویری (رد و بدل کردن عکس) و راه هایی دیگر مانند ارتباط اینترنتی و غیره . از آن جا که گفت و گوی حضوری و نگاه ، از آسان ترین راه هاست و امکان آن تقریبا به راحتی فراهم می آید ، بیشتر ارتباطات از این طریق صورت می گیرد .
۱ . مفهوم شناسی ارتباط؛
۲ . پذیرفته نبودن روابط دختر و پسر ، از نظر شرعی و عرفی .

بررسی نظریه های ارتباط میان دختر و پسر

بر پایه نخستین دیدگاه ، دو جنس مخالف به هر نحو که بخواهند ، اعم از گفت و شنود ، مسافرت ، رفاقت ، تماس بدنی و حتی کام گرفتن از یکدیگر ، می توانند با هم رابطه داشته باشند؛ با این استدلال که هرگونه محدودیت موجب فزونی میل و رغبت می شود . خاستگاه این نظریه و مهد کنونی این ارتباط افسار گسیخته ، جهان غرب به ویژه آمریکا و اروپای غربی است .

دیدگاه دیگری که از آن به نظریه افراطی می توان یاد کرد ، معتقد است که زن و مرد یا پسر و دختر حق ندارند کمترین ارتباطی با هم داشته باشند؛ خواه این ارتباط مکالمه ای باشد یا مکاتبه ای و خواه با نگاه باشد یا حضوری که در هر صورت نباید دو جنس مخالف حتی در شعاع دید و صدای یکدیگر قرار گیرند . این نظریه ، بیشتر جنبه بهداشت اجتماعی دارد و به عنوان راهکارهایی برای جلوگیری از فساد اجتماعی پیشنهاد می شود . طبیعی است که میان دو دیدگاه افراط و تفریط ، همواره نظر سومی مطرح می شود . زیرا آن دسته از انسان ها که اندیشه ای متعادل دارند ، با نامعقول دانستن دیدگاه اول و ناممکن دانستن نظریه دوم ، راه سوم را که برقراری ارتباط در چارچوب و موازین شرع و عرف است ، برمی گزینند . این نظریه با توجه به خاستگاه فرهنگی و دینی جامعه ما ، به خوبی تأیید می شود . قرآن کریم ، کتاب اعتدال است و هم در عالم تکوین و هم در جهان تشریع که اخلاق نیز جزئی از آن است ، جانب اعتدال را گرفته است . از این رو ، تصمیم سوم به دیدگاه قرآن کاملاً نزدیک است . بر این اساس ، درمی یابیم که دموکراسی جنسی و کامیابی آزادانه مردان از زنان و معاشرت های لذت بخش دیداری و شنیداری و نظریه ای را که حتی عادی ترین روابط بین زن و مرد را روا نمی دارد ، مورد تأیید اسلام نیست . و همچنین است نظریه ای که حتی عادی ترین روابط بین زن و مرد را روا نمی دارد . به این ترتیب ، میان دختر و پسر حریمی به بلندای حجاب و صلابت و عفاف قرار گرفته است . تا هم به دموکراسی جنسی گرفتار نگردد و هم از لغزش های احتمالی به هنگام تعامل با مردان ، مصون بماند .
طرح سه نظریه درباره برقراری ارتباط دختر و پسر و پذیرش نظریه سوم .

چشم و گوش ، وسلیه معرفت یا ضلالت

از میان تمامی حواس درونی و بیرونی ، آنچه بیش از همه می توانـد به افزایش علم و آگـاهی انسـان کمـک کنـد ، چشم و گوش است . چراکه اینها شـبکه اصـلی دریافت معلومات و آگاهی انسان از جهان خارج و از جمله دیگر افراد هسـتند . خدای سبحان می فرماید :

وَ اللّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . (نحل : ۷۸)

خداند شما را از شکم مادران تان خارج کرد ، در حالی که هیچ نمی دانستید ولی برای شما گوش و چشم و دل قرار داد .

چشم بدین سـبب که همه محسوسات را می بینید ، از حوزه حسـی وسـیعی برخوردار است و گوش از آن جهت که قادر است گفته های مربوط به حوزه فراحسی را نیز بشنود ، فراگیر است .

بی گمان ، وظیفه هر یک از اعضای بـدن انسان ، همان است که دست قدرتمند آفرینش برایش معین کرده است . چشم بینا و گوش شنوا می تواند انسان را به سعادت دنیوی و اخروی رهنمون سازد ، ولی به کارگیری این دو ابزار در مسیر نادرست ، پی آمدهای جبران ناپذیری برای آدمی به همراه دارد . یکی از شـیوه های به کارگیری ناشایست و نامشروع این موهبت های الهی ، برقراری ارتبـاط ناسـالم میان دختران و پسـران است . اگر آدمی این دو عضو را آزاد و رها بگـذارد و آنها را با هـدف لـذت جویی به کار گیرد ، در عین اسـتفاده از لـذت های زودگـذر ، آثار زیان بار و ناخوشاینـدی بر روح و روان او می گذارد . در واقع ، امری که از مسـیر سالم و عاقلانه خود خارج شود ، مضـر و نابود کننده است . به راستی وقتی می توان از چشم و گوش در راه حلال و مشـروع بهره گرفت ، بیراهه رفتن و نـاراستی برای چیست ؟ ! بـدیهی است که دیـدن ، گفتن یـا شـنیدن ، برای افزایش شـناخت و آگـاهی انسـان است . نگاه به مظاهر طبیعت ، صـنعت ، هنر و . . . انسان را به شـناخت هر چه بیشتر آنها می رسانـد و به اصـطلاح فرهنـگ دینی ، او را به حقیقت آفریننـده آنهـا هـدایت می کنـد . گفت وگوی انسـان ها نیز برای انتقال معلومـات ، کسب آگـاهی و بیـان نیازمنـدی هـاست . قرآن کریم هم به این اصل تأکیـد و چشم و گوش را ابزارهای شـناخت معرفی می کند . چشم را وسیله دیدن آیات تکوینی و گوش را وسیله شنیدن آیات تشریعی و زبان را وسیله تشریع و تفسیر هر دو قرار داده است .

۱ . چشم و گوش ، دو ابزار مهم کسب معرفت؛

۲ . بهره گیری از این دو نعمت خدادادی در مسیر صحیح و مشروع .

وظایف فردی و اجتماعی دختران

دختران جوان بایـد نکـات و آموزه های دینی را به درستی فراگیرنـد و با دقت خاصـی در مسـیر قرب و تکامل حرکت کننـد . دختران و زنـان مؤمن ، بایـد در همه حـال مراقب اعمـال و رفتـار و گفتـار خویش باشـند تا جایگاه و شخصـیت اجتماعی آنان همواره حفـظ شود؛ زیرا ارزش زن و دختر مسـلمان به پارسایی و دیانت اوست که پاکـدامنی و متانت را برای او به ارمغان می آورد . اسـلام برای بسـیاری از نعمت های الهی ، زکات قرار داده است ، برای مثال : زکات علم را نشر آن؛ زکات شجاعت را جهاد؛ زکات بدن سالم را روزه گرفتن و زکات زیبایی را نیز پاکدامنی دانسـته است . این روایت از حضرت علی علیه السلام ، گویای همین امر است : «زَكاةُ الجَمالِ الْعِفافُ» .

دختران جوان و مؤمن بـا حفظ غیرت ، جایگاه اجتماعی خویش را قـدر بداننـد و در جهت حفظ پاکـدامنی و تقوا از خویشـتن داری غافل نباشند .

محدوده آزادی روابط دختران و پسران

چرا مقررات اسلامی ، مراوده و معاشرت آزادانه و بدون قید و شرط دختران و پسران را مجاز نمی داند ؟ چرا اسلام ارضای غریزه جنسی را تنها در چارچوب قانون و شرع جایز و روش های انحرافی را ممنوع کرده است ؟

دیدگاه غرب دراین باره هم آهنگ با غریزه و تمایل نفسانی آدمی است که به طور قطع ، مفاسد و زیان های بسیاری در پی دارد . روش اسلام ، مخالف با آزادی نامحدود غرایز و منافی کام جویی های نامشروع است . این محدودیت ، انسان را از آسیب های فردی و اجتماعی بسیاری در امان می دارد . بنابر حکم عقل و اندیشه سالم ، آدمی از برخی آزادی ها چشم می پوشد و بعضی از ناکامی ها و محدودیت ها را می پذیرد تا از پی آمدهای ناگوار و گاه جبران ناپذیر آن زیان نبیند .

انسان عاقل ضرر و زیان کمتر را تحمل کند تا از ضرر بزرگ تر و شر سنگین تر برکنار بماند .

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

لَیْسَ الْعاقِلُ مَنْ یَعْرِفُ الْخَیْرَ مِنَ الشَّرَّ وَلِکنَّ الْعاقِلَ مَن یَعْرِفُ خَیْرَ الشَّرَّیْنِ .

عاقل کسی نیست که خوب را از بد بشناسد ، بلکه خردمند آن است که دو بد را که با آنها روبه روست ، بسنجد و بدی ای را که شرش کمتر است ، تحمل کند تا از خطر بزرگ تر مصون باشد .

۱ . ارضای غرایز جنسی در محدوده شرع و قانون؛

۲ . چشم پوشی از لذت های زور گذر نفسانی که پی آمدهای زیان بار فراوان دارد .

احساسات صادق ، احساسات کاذب

بسیاری از دوستی ها و روابط غیرمجاز دختران و پسران ، ریشه در احساسات کاذب آنها دارد : «شایع ترین و متداول ترین احساسات کاذب ، بیشتر به بهانه عشق ، گریبان گیر افراد می شود . در بسیاری مواقع ، بروز این احساسات عاشقانه که به دوستی دختر و پسر نامحرم می انجامد ، نشان از بیماری روحی ، اندوه و ناراحتی عصبی آنان است .

عده ای می خواهند بسیاری از کمبودها و ناکامی های روحی و عاطفی خود را با ابراز عشق و نوازش و لطف به محبوب خویش و یا دریافت مهر و محبت از محبوب ، جبران کنند .

در صورتی که این گونه مهرطلبی ها و عشق ورزی ها ، صرفا برای کام جویی و ارضای بدلی است و تنها هنگام رسیدن به آن و یا اندکی پس از آن که دیگر دیر شده است ، افراد از خواب غفلت بیدار می شوند و به ناپاکی احساسات خود پی می برند .

بزرگ ترین دشواری عشق ها و احساسات کاذب ، این است که تا وقتی دچار بحران التهاب آنها هستیم ، آنها را درست و واقعی می پنداریم و تنها گذشت زمان موجب می شود که به اشتباه خود پی ببریم . اگر تفکر و تعقل چاشنی احساسات و عواطف هیجانی شود ، می تواند غریزه جنسی را در مسیر طبیعی خود قرار دهد و با ارضای طبیعی و درست آن ، به سکون و آرامش دلخواه دست یابد . در حالی که تأمین این غرایز از راه غیرشرعی و نادرست ، می تواند آسیب های روحی ـ روانی ناگواری بر آدمی وارد کند .

۱ . عمده دوستی های دختر و پسر ، ناشی از احساسات کاذب آنهاست؛

۲ . در بیشتر دوستی های غیرمجاز ، تنها کام جویی بدلی اتفاق می افتد ، نه کامجویی واقعی .

کمک به هویت یابی نوجوان

یکی از وظایف مهم در تعلیم و تربیت نسل نوجوان ، یاری دادن او برای یافتن هویت خویش است که شامل ، هویت های دینی ، خانوادگی واجتماعی اوست . مربیان ، اعم از معلمان و مدیران ، مربیان پرورشی و اولیا بایددر شرایطی به پرورش جسم و روح دانش آموزان ، چه پسر و چه دختر بپردازند که اینان در پایان دوره نوجوانی بتوانند تصویر و توصیف روشنی از خود ، مسائل مذهبی ، موقعیت اجتماعی و نیز آینده خویش ، داشته باشند . روان شناسان ، دوره نوجوانی یعنی حدفاصل بین دوازده تاهجده سالگی را دوره حساس برای هویت یابی می دانند . اگر نوجوان در این مدت شخصیتی رضایت بخش و متعادل به دست آورد ، مراحل بعدی زندگی را امیدوار ، با اطمینان و پرتحرک سپری خواهد کرد . در صورت تحقق نیافتن این نوع هویت ، دختر و پسر به آشفتگی روحی و روانی دچار می شوند و در شناخت خود و انتخاب شیوه رفتاری مناسب ، با مشکل روبه رو خواهند شد .

در این وضعیت ، انتخاب یک الگوی مشخص و ایدئال برای او مشکل می شود و نوجوان گرفتار افراط و تفریط بسیار خواهد شد . گاه به صورت یک فردمذهبی افراطی جلوه گر می شود و گاه یک سره انجام وظایف مذهبی را به کنار می گذارد .

بنابراین بر مسئولان فرهنگی است که پایه ها وبنیادهای مذهبی ، اجتماعی وفرهنگی نوجوانان را تحکیم بخشنده مفاهیم و ارزش های متعالی را درون شان نهادینه سازند .

۱ . نقش هویت یابی ، در انتخاب شیوه رفتاری و تصمیم گیری های شایسته؛

۲ . هویت یابی ، عاملی در ثبات شخصیت .

عدم آموزش حدود شرعی در روابط محرم و نامحرم

یکی از عوامل ایجاد نابسامانی در روابط بین دختر وپسر در جامعه ما ، نبودن آموزش صحیح در مسائل مربوط به محرم و نامحرم است . خانواده ها معمولاً در این زمینه برنامه مشخصی ندارند . بسیاری از خانوده ها گفت وگوی فرزندان خود با بعضی از افراد نامحرم فامیل را مجاز می دانند ، مانند : روابط صمیمانه دختر عمو و پسر عمو ، دختر عمه و پسر دایی و حتی وجود روابط گرم و صمیمی با افراد دورتر فامیل .

رعایت نکردن متانت و حجاب در حضور چنین افرادی ، بیان کننده این امر است که نه تنها والدین حدود شرعی روابط را به فرزندان آموزش نداده اند ، بلکه برخی از آنان ، خود نیز در رعایت آنها سهل انگاری و ساده اندیشی می کنند . آموزش این حدود به فرزندان ، نه تنها نشانه عقب ماندگی و یا محدودسازی آنان نیست ، بلکه به دلیل دقت و توجه خانواده به حدود و رفتار اجتماعی است . هر قدر فرهنگ خانواده بالاتر باشد ، به جزئیات و دقایق زندگی ، از جمله روابط اجتماعی بین دختر و پسر توجه بیشتری می کنند .

۱ . آموزش صحیح درباره روابط محرم و نامحرم؛

۲ . نقش نظارتی و هدایتی خانواده ، در کنترل روابط فامیلی .

دست آورد نگاه

نگاه کردن دختر وپسر و یا زن و مرد از روی مهر و محبت به یکدیگر ، موجب انتقال تصاویر آنها به صفحه ذهن می شود و به صورت غیر ارادی آثار عمیقی بر خیال و تصورات شهوانی انسان ، حتی انسان های مؤمن می گذارد . چرا که این عکس ها

در قوه خیال به گونه ای نقش می بندد که جزء جداناپذیر فکر انسان می شود . امام علی علیه السلام بر این حقیقت اشاره کرده و فرموده است : «کَمْ مِنْ نَظْرَةٍ اُورَثَتْ مَعَهُ حسرةٌ طویلةٌ؛ بسا یک نگاه ، حسرت و اندوه درازمدتی را به بار می آورد» .

در روایتی دیگر از وی آمده است :

اَوَّلَ نَظْرَةٍ لَکَ وَ الثّانِیَةُ لالَکَ وَ النَّظْرَةُ الثّالِثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهامِ اِبْلیسَ .

نگاه اول از آن توست ، نگاه دوم به سود تو نیست و اما نگاه سوم ، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است .

و باز از ایشان می خوانیم : «فَکَمْ مِنْ ناظِرِ نَظْرَةٍ زَرَعَتْ فی قَلْبِه شَهْوَةً؛ چه بسیار نگاه هایی که شهوت را در دل بیننده کاشته است» .

نگاه اول چون بدون توجه است ، اثر آن چندان نیست . نگاه دوم که با توجه همراه است ، کمی اثردارد . اما نگاه سوم که با قصد صورت گیری انجام می شود ، تیری است برخاسته از گناه که به سوی قلب نشانه رفته است ، زیرا هر آنچه دیده می بیند ، دل از آن یاد خواهد کرد .

نگاه ناپاک ، آن چنان بی رحم است که بر جوان و پیر ، دختر و پسر ، شاهزاده و گدا ، تأثیر یکسانی دارد . نگاه ، زلیخا همسر عزیز مصر را شیفته یوسف کرد ، یوسف را زندانی و زلیخا را رسوا کرد . زنان مصری با یک نگاه به یوسف ، به جای میوه دست خود را بریدند . اگر دختر و پسر بتواند خود را از این دام برهاند و از لذت دنیوی نگاه چشم بپوشد ، به یقین شیرینی ایمان را خواهد چشید و خواهد فهمید که لذت همیشه در لذت بردن نیست ، بلکه گاهی در ترک لذت است که به گفته سعدی شیرازی :

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس ، لذت ندانی

چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است :

اَلنَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهامِ اِبْلیسَ مَنْ تَرَکَها خَوفا مِنَ اللّه اَعطاهُ اللّه ُایمانا یَجِدُ حَلاوَتَهُ فی قَلبِهِ .

نگاه ، تیر زهرآلود شیطان است . هر کس به خاطر خداترسی آن را ترک کند ، خداوند ایمانی را به او می بخشدکه شیرینی آن را در خویش احساس می کند .

بنابراین رها کردن بی مورد نگاه جایز نیست ، بلکه باید نگاه را در چنبره عقل و شرع محدود کرد . با وجود این ، در صورت دیدار اتفاقی ، باید با خواسته های نادرست دل مبارزه کرد؛ چرا که پاسخ مثبت به هر آنچه دل می طلبد ، در اسلام جایز نیست .

۱ . نگاه ، تیری از تیرهای شیطان و وسیله ای برای گمراهی؛

۲ . آزاد نگذاشتن چشم برای سیر کردن درمناظرغیر مشروع .

استدلالات وتبیین روابط دخترو پسر از نظر اسلام

قبل از اینکه به استدلالات وتبیین روابط دخترو پسر از نظر اسلام بپردازیم چند نکته را یاد آوری می کنیم . اول : اینکه مبنا و ماخذ معارف ، اخلاقیات ، معیارهای رفتاری و . . . و در یک کلام بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی ما برگرفته از دین اسلام است و ما در هر مرحله از مراحل زندگی بشری چه فردی و چه اجتماعی دین اسلام را حاکم می دانیم وآنرا ملاکی جدائی ناپذیر برای زندگانی بشری قلمداد می کنیم . و لذا آنچه در ذیل می آید طبق همین ملاک می باشد . دوم : اگر چه عنوان مقاله روابط دختر و پسر است ، اما همه زنان و مردان در این احکام مشترک هستند و اختصاص عنوان به دختر و پسر

تنها به خاطر اهمیت و موقعیت حساس دختران و پسران جوان و نوجوان می باشد . سوم : در این مقال تنها به بیان باید ها و نباید ها در رابطه دختر و پسر پرداخته می شود و سخن از معضلات ، راه حل ها و سیاست های صحیح و نا صحیح ، آسیب شناسی و . . . در این رابطه را به مجال و مقالهای بعدی موکول می کنیم .

طرح بحث

زندگی انسان بر پایه وروابط اجتماعی و پیوندها شکل می گیرد . آنچه از نظر اسلام در این اجتماع مهم است حرکت به سوی اخلاق متعالی و پیشرفتهای معنوی وکمال فردی و اجتماعی انسان است . و این اجتماع ناگزیر از تعامل افکار و اندیشه ها ، فرهنگها ، تعلیم وتعلم و ارتباطات می باشد که دین اسلام هم بر این موارد تاکید دارد .

در یک جامعه اسلامی روابط و تعامل انسانها با یکدیگر بر گرفته از شناخت ارزشها و آموزه های دینی است که چگونگی و باید ها ونبایدهای آن را بیان می کند . انسان ، به ویژه جوان ونوجوان ، به ارتباط اجتماعی نیازمند است؛ زیرا آدمی موجود اجتماعی است و ارتباط با دیگران پاسخ آن نیاز درونی به شمار می‌آید . داشتن روابط ضرورت دارد؛ ولی چگونگی آن از اهمیت بیش‌تری برخوردار است . در این میان ارتباط با جنس مخالف موضوعی مهم و حساس است .

علی‌رغم این‌که افراد ناآشنا به مبانی دینی ، اسلام را بدان متهم می‌کنند که مخالف حضور دختران در اجتماع است ، احادیث صریحی داریم که طالب علم و دانش و فراگیرنده آن ، چه دختر و چه پسر ، محبوب خدایند و برای کسب دانش و کارهای مفید اجتماعی ، دختران و پسران می‌توانند با حفظ پوشش و عفاف ، به‌راحتی در جامعه ظاهر شوند و به انجام وظیفه بپردازند .

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ» (الکافی/۱/۳۰)

«فَوَجَبَ عَلَى الْعَاقِلِ طَلَبُ الْعِلْمِ » . (الکافی/ ج۱ – کتاب العقل و الجهل)

اسلام به اهمیت و ارزش فوق‌العاده پاکی و سلامت شخصیت دختر و پسر و لزوم رعایت حقوق فرد و جامعه در ارتباطها ، نگاه‌ها ، شنیدن‌ها و مکالمات تأکید دارد و به هیچ عنوان راضی نمی‌شود که حریم قُدسی دختر ، خدشه بردارد یا پسر از دایره عفت و پاکی خارج شود .

تفاوت «روابط دختر و پسر» درجامعه اسلامی و فرهنگ غربی

فرهنگ غربی ، به نام آزادی و در راه رسیدن به آن ، فضای جامعه را خواسته یا ناخواسته ناامن و کانون خانواده را متزلزل نموده است . در چنین فضایی ، هیجانات کاذب ، فرصت اندیشیدن و خلوت معنوی و چشیدن لذّت رفتارهای اخلاقی و خویشتنداری های عفیفانه را از انسان گرفته است .

در جوامع غربی به اصطلاح «آزاد» ، بر اثر بی‌بندوباری‌ها و تلاش‌های تمام ناشدنی شهروندان برای کسب منافع و رفاه بیشتر و نادیده گرفتن حریم‌های انسانی ، هر روز ، جنایات تازه‌ای در شرف تکوین است ، که عشق‌های دروغین خیابانی و دوستی‌ها و ارتباطهای کوچه وبازاری ، تنها نقطه‌های آغاز شمرده می‌شوند .

در جوامع غربی و همچنین جوامعی که مقلّد غرب هستند ، نسل جوان ، هدف تبلیغات رسانه‌ای قرار گرفته اند تا مصرف بیشتر محصولات تجاری را به دنبال داشته باشند . (لباس‌های مُدِ روز ، لوازم آرایشی ، فیلم‌ها و آوازهای سبُک یا غیر اخلاقی ، موادّ انرژی زا و توهّم زا و . . .) بدون آن‌که فرصت انتخاب داشته باشند و یا بتوانند آگاهانه از حلقه و گردونه‌ای که درونش

قرارگرفته‌اند ، خارج شوند . در چنین جامعه‌ای که به هیچ اصل اخلاقی یا آرمان غیر مادّی پایبند نیست ، همگان قربانی‌اند . و به اصطلاح تر و خشک با هم می سوزند .

با چنین شرایطی که بر جوانان در جوامع غربی و کشورهای تحت نفوذ آنان حاکم است ، باید دید الگوهای دخترها و پسرها ، چه کسانی هستند ؟ آیا افراد عالم و دانشمند و متفکّر و هنرمند واقعی الگو هستند یا هنرپیشه‌های جلف و فاقد ابتکار و بی‌اندیشه‌ای که تنها ظاهری جذّاب دارند ؟ آیا این روند ، دلیل انحطاط و سقوط اخلاقی و موجبِ سرگردانی و بی هدفی نسل جوان دختر و پسر یک جامعه نیست ؟ آیا متفکّران و مربّیان بزرگ غرب در دهه‌ها و سَده‌های گذشته ، با آن همه مبارزات پیگیر و تحمّل آن‌همه رنج ، چنین فضای فرهنگ‌سوز و مادّیت‌زده‌ای را آرزو کرده بودند ؟ و آیا شایسته است که ما به جای تصحیح و ارتقای فرهنگ خویش ، خود را به چنین فضای وهْم‌آلودی بسپریم ؟

اما در جامعه اسلامی ، جامعه دینی در روابط اجتماعی خود ، توجهی ویژه به حصار عفاف و حریم شخصی دختر و پسر دارد . روش اسلام ، این است که انسان ، معتدل و متعادل زندگی کند و از هر افراط یا تفریطی به دور باشد . خداوند نیز مسلمانان را «امت متعادل» می‌نامد . «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَكونوا شُهَداءَ عَلَى الناسِ» (سوره بقره ، آیه ۱۴۳) و افراد اجتماع را به روش صحیح زندگی فرامی‌خواند و در مقرّرات خود ، همه جنبه‌های نیاز دختر و پسر را در نظر می‌گیرد . از جمله ، دختران را تا حدودی که منجر به زیان‌دیدن و انحراف آنها نشود ، از شرکت در اجتماع ، نهی نمی‌کند .

رسول خدا (ص) به برخی از زنان اجازه می‌دادند که حتی در جنگ‌ها برای امداد و کمک به مجروحان و سربازان ، شرکت کنند و در تاریخ اسلام ، نمونه‌های بسیاری برای مشارکت زنان و دختران در فعالیت‌های اجتماعی ذکر شده است . (از جمله نسیبه که جایگاه ویژه ای نزد رسول خدا ص داشت) روشن است که رعایت حریم‌ها از سوی زنان و مردان ، تضمین لازم برای دوام چنین مشارکتی است و حضور زنان و دختران در فضاهای عمومی یک جامعه ، مشروط به صلاحیت اخلاقی و متانت مردان و پسران آن جامعه است .

اسلام به خطراتِ ناشی از روابط به اصطلاح «آزاد» دختر و پسر کاملاً آگاه است و نهایت مراقبت را در روابط و برخوردهای دختران و پسران دارد ، تا حدی که منجر به انحراف و فساد نشود و طرفدار مشارکت دختران و پسران در جامعه به شکل معقول و با حفظ حریم است .

اسلام ، در عین این‌که اجازه شرکت در محافل ، مدارس ، دانشگاه‌ها ، مساجد و . . . را به جوانان دختر و پسر می‌دهد ، دستور می‌دهد که به صورت مختلط نباشد و محلّ نشست و برخاست‌ها از یکدیگر جدا باشد . آنچه که اسلام به صورت یک توصیه اخلاقی در مورد جامعه مدنی ابراز می‌دارد ، این است که اجتماع مدنی ، تا حدّ ممکن ، غیر مختلط باشد . به عنوان مثال در تفسیر این آیه آمده است :

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنـافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ . . . » یعنی «اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که شایعات بی اساس و اخبار دروغ در مدینه پخش می کنند دست از کار خود برندارند ، تو را بر ضد آنان می شورانیم سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند» (سوره احزاب /۶۰) .

که در تفسیر بیماردلان (فی قلوبهم مرض) آمده : یعنی کسانی که فاجر هستند و ایمانی ضعیف دارند آنها کسانی هستند که از مراوده و اختلاط با زنان و اذیت آنان باکی ندارند . . .

روابط بین دختر ها و پسر ها

توضیح

روابط بین زن و مرد را به چهار صورت می توان در نظر گرفت : رابطه زن و شوهری ، رابطه علمی ، رابطه حرفه ای و شغلی ، رابطه دوستانه .

رابطه زن و شوهری

اسلام رابطه زن و شوهر را که براساس موازین شرعی و عقد رسمی تحقق پیدا می کند مورد تأکید و تایید قرار داده است . ده ها آیه و صدها روایت از معصوم در مورد اهمیت ازدواج و روابط زناشویی شاهد بر مدعاست . مهمترین کانون و نهاد اجتماعی خانواده است که با ازدواج و رابطه زن و مرد شکل می گیرد بنابراین از نظر اسلام این نوع رابطه اجتماعی مشروع و مورد تأکید و تایید است و زن و مرد هر دو در شکل گیری آن سهیم اند . در این خانواده است که زنان و مردان آنچه که بالاصاله برای آن خلق شده اند را می توانند بروز دهند و آن چیزی نیست جز تربیت اسلامی و تخلق به اخلاق الهی . همچنانکه خداوند پیامبرش را برای همین مهم مبعوث کرده است : «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» .
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسادٌ كَبِيرٌ» (الکافی/۵/ ۳۴۷)
. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ زَوَّجَ عَزَباً كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (تهذیب‌الأحکام ج/ ۷ /۴۰۵) .

رابطه علمی بین زن و مرد

این نوع رابطه با حفظ موازین شرعی و رعایت حدود الهی از ناحیه زن و مرد مجاز است و بهترین مصداق بارز آن رابطه بین استاد و شاگرد است اعم از این که استاد زن باشد و شاگرد مرد ، یا بالعکس . آنچه مهم است رعایت موازین شرعی است ، اگر احکام الهی مراعات شود این نوع رابطه نه تنها مجاز است بلکه مورد تأیید اسلام است و اگر حدود الهی مراعات نشود و حریم های بین محرم و نامحرم شکسته شود اسلام از این رابطه ناخشنود است و آن را شدیدا نهی می کند .

رابطه شغلی و حرفه ای

روابط شغلی سه گونه هستند :
۱ . شغل هایی که عرفا و غالبا به عهده زنان است و با وجود زنان ، لزومی ندارد مردان مشغول آن حرفه شوند . مثل شغل مامایی و کارهایی که جنبه زنانه محض دارد . در این گونه موارد اسلام تأکید دارد که شغل های حساس و مهمی که مربوط به بانوان می شود خودشان به عهده گیرند . طبعا نوع رابطه شغلی در اینجا بین زنان است و مردان حق ورود به این مشاغل را ندارند مگر در شرایط ضروری . (البته چون در گذشته به زنان مجالی برای یادگیری مشاغل و حرفه های مخصوص زنان نمی داده اند ، هستند مردانی که به خاطر نیاز آن حرفه ها را فرا گرفته اند) .
۲ . شغل هایی که عرفا و غالبا به مردان اختصاص دارد مثل کارهای شاق و سختی که با فیزیک بدن زن و روحیات او سازگار نیست . لذا وارد شدن در کارهایی که از تحمل زن خارج است و به نحوی به او ضرر می زند جایز نیست . هر چند شاید باشند زنانی که قدرت بدنی بالایی داشته باشند اما غالبا و حتی می توان گفت همه زنان در این دسته نقش چندانی را نمی توانند ایفا کنند .

۳. شغل هایی که مشترک بین زنان و مردان است که اکثر موارد و بیشتر کارها تقریبا بین زن و مرد مشترک است. در این گروه، اگر زن و مرد ضوابط شرعی را رعایت کنند و حرمتها و حیا و عفت و دین داری را سرمشق قرار دهند و مرتکب عمل حرامی نشوند می توانند مشارکت فعال داشته باشند مانند بسیاری از کارها از جمله نمایندگی مجلس، معلمی و تحقیق و پژوهش و . . .

در هر سه گروه اگر نیازی به همکاری و استعانت و ارتباط زنان و مردان بود تنها با رعایت موازین شرعی، عرفی، عقلی، حفظ حیا و عفت و پرهیز از گناه است که می توان این ارتباط را جایز دانست و در غیر این صورت (عدم رعایت موازین شرعی و عرفی و عقلی و . . .) هر گونه ارتباطی حرام است.

رابطه دوستی بین دختر و پسر

شاید بعضی تعجب کنند اما با صراحت تمام می تون گفت که این نوع رابطه از نظر اسلام حرام است و قرآن از دوستی بین دختر و پسر و اینگونه روابط نهی کرده است همچنانکه در تفسیر آیه ۶۰ سوره احزاب گذشت. زیرا عفت عمومی جامعه با اینگونه روابط آسیب جدی می بیند پایه های ازدواج و خانواده سست می شود و صدها مفسده اخلاقی برای دختر و پسر و جامعه دارد. و اساسا در اسلام چیزی به نام دوستی بین دختر و پسر یا زن و مرد وجود ندارد و هر چه هز این باب است حرام است. مگر اینکه برای دوستی معانی متعددی قائل باشیم که یکی از آن معانی را بتوان با موازین شرعی همسان و همراه دانست هر چند در حال حاضر آنچه به نام دوستی در عرف جوامع بشری مشاهده می شود همان معنای آزادی در رابطه و بی بند و باری است که در دین مبین اسلام و شرع مقدس هیچ توجیهی برای آن نیامده است و این نوع رابطه با اساس حکمت اخلاق و کمال انسان در تضاد است.

بدون تردید اگر ائمه (ع) از حضور زنان در جامعه نهی کرده اند اینطور نیست که این نهی بدون هیچ قید و شرطی باشد بلکه سیره عملی آنها به این امر مطلق تخصیص می زند و نشان می دهد که منظور ائمه این نیست که زنان مطلقا نباید در امور اجتماعی مشارکت داشته باشند بلکه منظور آنها این است که زنان اولا، بدون دلیل موجه نباید در میان مردان و مقابل چشم آنها قرار گیرند. ثانیا، در صورت لزوم باید حضورشان در حد نیاز و ضرورت باشد و ثالثا حضوری همراه با رعایت موازین و امورات شرعی و عقلی و عرفی.

معیارهای اسلامی و اخلاقی در روابط

توضیح

یک رابطه دارای ابعادی است از جمله : نگاه، پوشش، فکر و اندیشه، گفتار، رفتار. و برای هر کدام اسلام قانون و موازین خاص خود را دارد که می طلبد زن و مرد مسلمان اینچنین باشند.

نگاه

رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود : «ای علی ! نگاه اوّل، برای توست چرا که ابزار شناخت است؛ امّا نگاه دوم به زیان توست» (من لا یحضر / ۴/ ۱۹. (حقیقتْ این است که در مناسبات و روابط اجتماعیِ دختر و پسر، پیشنهاد دین و اصل

اخلاقی ، ترک نگاه‌های شهوانی دختر و پسر به یکدیگر و پرهیز از لذّتجویی‌های بی‌ضابطه و بازی‌کردن با عواطف یکدیگر است .

جوانی که چشمش به جنس مخالف می‌افتد و احیاناً از وی خوشش می‌آید ، می‌خواهد که برای بار دوم نیز به وی نگاه کند و لذّت ببرد . نوبت اوّل ، چون نگاه و تلذُّذ غیر عمدی است ، مانعی ندارد ؛ ولی نوبت دوم ، چون به قصد لذّت بردن از دیگری و بهره‌جویی از سرمایه دیگری است ، جایز نیست . « جعفر بن محمد ع قال ما یأمن الذین ینظرون فی أدبار النساء أن یبتلوا بذلک فی نسائهم » .

و در حدیثی امام صادق (ع) فرمود : «نگاه کردن به نامحرم ، تیری زهرآگین است که از ناحیه شیطان پرتاب می‌شود» . (من لا یحضر/ ۴/ ۱۹) «چه بسیارند نگاه‌های کوتاه و لذّت‌های زودگذری که بعدها حسرت‌ها و تأسّف‌های طولانی درپی خواهند داشت ! » . (کافی/ ج ۵/ ص ۵۵۹) . با همه این مرزبندی‌ها و سفارش‌های خیرخواهانه ، در اسلام ، نگاه کردن دختر و پسر به یکدیگر و گفتگوی آنها ، چنانچه به قصد خواستگاری و ازدواج (یعنی رفتن به سمت تشکیل کانون خانواده و رسیدن به ثبات و آرامش) باشد ، مانعی ندارد . «عَنْ عَلِيٍّ ع فِي رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا قَالَ لَا بَأْسَ» .

در پوشش

اسلام هم برای مردان و هم برای زنان پوشش خاصی را مد نظر دارد . پوششی که اسلام برای دخترها مقرّر کرده است ، بدین منظور نیست که جلوی فعالیت‌های اجتماعی آنان را بگیرد و از خانه بیرون نروند . پوشش دخترها در اسلام ، این است که دختر در معاشرت خود با پسران ، بدن خود را (بجز صورت و دست‌ها) بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد .

سوالی که شاید ما را به خود مشغول سازد این است که چرا مردان باید آزاد باشند تا همچون کالا به زن بنگرند ؟ آیا همین نگرش نیست که نظام خانواده را در غرب ، متزلزل کرده است ؟ اسلام با وضع نمودن نوعی مقرّرات برای پوشش ، حفظ سلامت جسم و جان فرد و روح جامعه را تضمین کرده است . به این ترتیب ، حفظ نگاه و حجاب مرد و زن ، حقیقتاً مصونیت‌بخش و پاسدار حریم آنانست .

در آیین اسلام ، پسران فقط وقتی می توانند که ارتباط کامل و بی حدی با دختران داشته باشند که تشکیل خانواده داده باشند و آگاهانه انتخاب و مسئولیت پذیرفته باشند ، در کانون گرم و صمیمی خانواده است که می‌توانند با دختر (به عنوان همسر قانونی خود) ، پیوند کامیابی برقرار کنند . قبل از آن ، نباید فکر و ذهن هیچ دختر یا پسر جوانی به این موضوع ، مشغول باشد و مانع فکر و تحصیل و کارهای زندگی او و دیگران شود .

اندیشه و قلب

نبودن حریم بین دختر و پسر ، و آزادی در معاشرت‌ها ، هیجانات و التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و هنگامی که میل جنسی از تعادل و مسیر طبیعی‌اش خارج شد ، این میل به صورت یک عطش روحی و یک خواست سیری‌ناپذیر و اشباع نشدنی در فرد ظاهر می شود که مهاری برای آن نیست . غریزه جنسی ، غریزه‌ای نیرومند ، عمیق و پردامنه است که هرچه انسان این نیرو را رها کند و کنترل نکند خاموش که نمی شود شعله ورتر هم می شود . مثل افراد آزمندی که هرچه پول بیشتری به دست بیاورند ، حریص‌تر می‌شوند . تاریخ از آزمندی‌های جنسی ، بسیار یاد می کند . حسّ تصرّف و تملّک

زیبارویـان در پادشاهان هیـچ حـد و مرزی نداشـته و سـیرابشان نکرده است . صاحبان حرمسـراها ، هر روز در پی شـکارکردن شکار دیگری برای خود بوده‌اند .

اسـلام به قـدرت شـگرف این غریزه ، توجه کامـل کرده و هشـدارهای زیـادی درباره خطرناک بودن نگاه جنسـی بی‌ضابطه و خلوت کردن پسـر و دختر با هم و معاشـرت‌های کنترل نشـده آنان می‌دهد از جمله می فرماید : «که هر جا زن و مرد نامحرمی تنها بودند سومی آنها شیطان است» . از طرفی تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و برای هر یک از دو جنس ، تکلیف‌هـا و مقرراتی معین نموده است . به عنوان نمونه ، قرآن کریم می‌فرمایـد : «به مردان بگو چشم‌هـا از نگـاه ناروا بپوشـند و انـدام خود را پوشـیده دارند و به زنان نیز بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا باز دارند و اندام خود را بپوشـند» . (نور ، آیه ۳۱) . آیین مـا از مـا می‌خواهـد که انـدیشه‌مـان را هوس‌آلود نکنیم ، خیـال گنـاه را در ذهن خود نپروریم ، به نامحرمانْ خیره نشویم و دزدانه نگـاه نکنیم ، به قصـد لـذّت‌هـای جنسـی به نامحرمی ننگریم و با چنین قصـدی به معاشـرت‌های اجتماعی قـدم نگذاریم .

اگر خـدا به مـا قلبی مالامال از محبت و عشق عطا کرده نه به خاطر آنست که این خانه را جولانگاه هوسـها و زیباییهای کثیف دنیـایی کنیم بلکه این مکـان پر مهر و محبت و عشق را خـدا برای خود آفریـده است و به انسـان هم اخطـار داده که یـک قلب بیشتر نداری و آن برای من است . « خدا در قلب هیچ انسانی دو دل قرار نداده است» .

گفتار

شنیـدن صـدای دختر برای پسـر ، در صورتی که همراه با ناز و عشوه و قصـد لذّت‌بردن و خوش‌آمدن در کار نباشد ، اشـکالی ندارد . برای دختر ، شایسـته نیست که در سخن گفتن با پسری ، صدای خود را نازک کند و به نحوی با عشوه و اطوار ، سخن بگویـد . خـدای متعال در قرآن ، به زنان می‌فرمایـد : «در حرف زدن ، صدا را نازک و مهیّج نکنید که موجب طمع بیماردلان گردد» (سـوره احزاب ، آیه ۳۲ (و امام علی (ع) می‌فرمود : «به دختران جوان ، سـلام نمی‌کنم که مبادا پاسخ آنها دلم را به لغزش افکند . (الکافی ، ج ۲ ، ص ۶۴۸) . البته این فرمایش امام علی ع که در اوج عصمت هستند همچون معصومان دیگر نه برای خود بلکه برای آموزش به شیعیان و مسلمانان و مومنان است که در روابط با دختران چگونه باشند .

رفتار

احتیاطها و توصـیه‌های دین مبین اسـلام ، مبنی بر دور نگه‌داشـتن و فاصله داشتن دختران و پسران نامحرم از یکدیگر ، صرفاً به خـاطر حفـظ سـلامت روحی خود آنـان و سـلامت اجتمـاع و پاکی خانواده و عزت و شـرف و تعالی آنان است . روح جوان ، فوق‌العاده تحریک‌پـذیر است . اشـتباه است که گمان کنیم تحریک‌پـذیری روح انسان ، محدود به حدّ خاصـی است و پس از آن ، آرام می‌گیرد . همـان قـدر که انسان از رسـیدن به جاه و مقام و ثروتْ سـیر نمی‌شود ، در میل جنسـی نیز چنین است . در محیطهای آزاد و باز ، هیچ پسری از تصاحب زیبارویان و هیچ دختری از متوجّه کردن پسران به خود و تصاحب قلب آنان سیر نمی‌شود . از طرفی ، هوس ، در هیـچ نقطه‌ای توقف نمی‌کنـد و تقاضای نامحـدود انسان ، خواه ناخواه ، انجام ناشـدنی است و امکان برآوردن همه خواسته‌ها هیچ‌گاه برای بشر ، میسّر نیست .

دست نیـافتن به آرزوهـا و هوس‌ها ، در جای خود ، منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می گردد . به محیطهایی که

بی‌بند و باری در آنها زیاد است ، بنگرید . خواهید دید که در آن محیطها ، آمار بیماری‌های روانی و مشکلات روحی ، بالاست . شاید مهم‌ترین علت ، همین آزادی جنسی و تحریکات فراوان روانی است که به وسیله عکس‌ها ، مجلّات ، فیلم‌ها و سی‌دی‌ها و محافل مختلِط تفریحی و حتّی در کوچه و خیابان و تبلیغات کالاها و مُدها و . . . دامن زده می‌شود و غالباً بی‌پاسخ می‌مانَد ؛ چرا که تخلیه جسم و روان از این هیجانات فزاینده ، عملاً ممکن نیست و بدین ترتیب ، پیری زودرس و روان‌پریشی و اختلالات روحی دیگر ، پیامدهای طبیعی آن فضا هستند .

اوّلین فایده رفتار طبق مقتضای اسلام ، امنیت فضای خانواده و اجتماع ، ارتقای موقعیّت زنان و دختران ، شکوفایی استعدادهای مختلف جوانان ، و . . . می باشد که مهم‌ترین نشانه‌های «بهداشت روانی» یک جامعه محسوب می‌شوند که زمینه لازم برای تولیدات فکری و صنعتی و توسعه ابعاد مادّی و معنوی جامعه است .

در نهایت می توان گفت آنچه حقیقتا امروز معضل است و مسئولین و روانشناسان و جوانان را سردرگم کرده مسئله کنار آمدن با امیال و کنترل غرائض در این ارتباط است که به خاطر نا آگاهی ها در روابط و تربیت ها مشکلات روحی شدید و حدیدی برای دخترو پسر بوجود می آید که راه خلاصی از آن را سخت می کند . و گرنه در حیطه روابط دختر و پسر هیچ ابهامی وجود ندارد وشرع مقدس تمام آنچه را که این ارتباط را توضیح و تبیین میکند بیان کرده همچنانکه گوشه ای از آن را مشاهده کردید . البته می دانیم که برای نجات از سردرگمی و خلاصی از بند هواهای نفس و غرور جوانی و فشارهای جنسی و حس گرایش به جنس مخالف دین اسلام راه کارهای زیبا و ظریفی ارائه داده است که این مقال را جای آن بحث نیست .

منابع

۱) المیزان ، ترجمه موسوی همدانی ، ج ۱۶ ، ص . ۴۶۱

۲) شیخ حر عاملی ، آداب معاشرت ، ص . ۶۷

۳) مرتضی مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، ص . ۱۴۸

۴) ویل دورانت ، لذات فلسفه ، ص . ۱۴۱

۵) ابوالقاسم مقیمی حاجی ، جوانان و روابط ، ص ۷ ، به نقل از لذات فلسفه . ۱۲۲

۶) میزان الحکمه ، ج ۴ ، ص ۲۷۲ ، حدیث . ۷۸۰۷

۷) میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۹۷ ، حدیث . ۱۰۲۲۱

۸) روانشناسی رشد (۲) ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، ص . ۷۸۲

۹) المیزان ، ترجمه موسوی همدانی ، ج ۱۳ ، ص . ۲۶۲

۱۰) الدر المنثور ، ج ۶ ، ص . ۲۴۴

۱۱) کافی ، ج ۵ ، ص . ۶۲

۱۲) شرح غرر و درر ، آمدی ، ج ۱ ، ص . ۳۹۴

۱۳) میزان الحکمه ، ج ۸ ، ص ۴۸۵ ، حدیث . ۱۷۸۳۱

پایان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون مجتمع فرهنگی مذهبی هیئت قائمیه اصفهان ،دفاتر مراجع معظم تقلید، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، موسسه فرهنگی مرکز تحقیقات رایانه‌ای مهر حوزه علمیه اصفهان، سازمان کتابخانه ها،موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ، موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان ، سازمان حج و زیارت، انتشارات مسجد مقدس جمکران و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghaemiyeh.com

ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹